



چاپ ۱۳۰۰ ریلان

۱۷۹۱-۸

تاریخچہ خلق ترکمن



قابوس نشریاتی

تہیہ و تنظیم از: آنہ محمد احمدی

تبرستان
www.tabarestan.info

مقدمه

تبرستان
www.tabarestan.info

با اینکه صدها کتاب و نوشته در مورد ترکمن‌ها و ترکستان
بخصوص استرآباد به رشته تحریر درآمده است ولی متأسفانه
کاتبان آنها آنطوری که باید و شاید مطلبی را ادا کنند در
مورد ترکمن‌ها حق سخن را بجا نیاورده‌اند و یا بعلت تعصب
خاص نویسندگان شان که هرکدام متعلق به مملکتی بودند
در مورد این خلق ستم‌دیده حقایق را آنچنان که يك خواننده
مشتاق و جستجوگر و بی تعصب در پی آن است ننوشتند بلکه
کلمات خود را با منافع استعماری مملکت خود درآمیخته و اگر
مطلب بحق هم بوده است در این پنجاه و چند سال عصر
پهلوی بدست جلادان منحوس رژیم طاغوتی سانسورگشته و
یا اصولاً ضمن بحث درباره ایل بزرگ ترکمن بتواریخ و -
کتابهای معتبر و مستند رجوع نگردیده است.

در عصر جدید که با فریادهای آزادی خواهانه مردم دریند
کشیده شده این ملت زنجیرهای استعمار و ظلم طاغوت در هم
شکسته شده است و با پیشرفت روزافزون سطح مطالعه و تحقیق
در کشورمان هیچ مطلبی بدون مدرک و سند معتبر و قابل
قبول و مورد تأیید پژوهندگان نمی‌باشد لاجرم برخود دانستم که

که جهت آشنائی برادران هموطن ایرانی و سایر خلقهای این کشور و هم چنین برای اطلاع جوانان غیور ترکمن مطالبی را که بعد از شش سال مطالعه و بررسی در تواریخ و سفرنامه ها و یادداشت های ایرانشناسان بعمل آوردام بطور خلاصه بصورت کتابی بنام تاریخچه ترکمنها در ایران تهیه و تدوین کرده و در اختیار دانش پژوهان و مشتاقان اینگونه کتابها قرار دهم، باشد که در مکتب بزرگ ایران شناسی و در خدمت بخلق ستم کشیده ترکمن سهم کوچکی داشته و ادای وظیفه کرده باشم. البته هر نوشته ای عاری از اشکال نبوده و نمی باشد و هدف از تحریر این کتاب نیز این نیست که در مورد هر یک از قبایل ترکمن و زندگانی آنها در طول تاریخ داستان پردازی نموده تا خدا ی ناخواسته موجب خستگی و ملال خاطر خوانندگان گرامی گردد. بلکه هدف نشان دادن گذشته قوم ترکمن در طول زمان و نقش آنها در صحنه سیاست ایران و مبارزات این ملت در راه حفظ آداب و فرهنگشان بطور خلاصه تا عصر حاضر بوده است. که امیدوارم در انجام این مشکل بزرگ خداوند رحمان مددگارم باشد. در خاتمه از تمام کسانی که در تهیه و تدوین این نوشته ها بخصوص دانشجویان و فرهنگیان عزیز ترکمن که در بدترین شرایط دوران طاغوتی نیز همواره مشوق و راهنمای من بوده اند کمال تشکر و امتنان را دارم.

آه محمد احمدی

تقدیم به تمام ستم دیده گان خلق غیور ترکمن صحرا و شهدائی که همیشه در آرزوی برچیدن بساط ظلم و ستم و پایداری سنت ها و احیای فرهنگ قومی خود بودند.

ضمن اظهار تشکر و قدردانی از آقای آنا محمد احمدی که با تحمل زحمات زیاد و درخوڑستایش اقدام به گردآوری — تاریخچه ترکمن نموده‌اند و اینک حاصل زحمات ایشان بصورت این کتاب در دسترس خوانندگان گرامی قرار گرفته است.

از جوانان تحصیل کرده و آگاه ترکمن استدعا داریم ضمن بهره‌گیری از مطالعات خود برای غنی‌تر کردن تاریخ ترکمن اطلاعات خویش را در این زمینه در اختیار ما قرار دهند تا در آینده بتوان مبادرت به انتشار کتاب کامل و جامع‌تری نمود در اینجا یادآوری این نکته ضروری است. بطوریکه آقای احمدی در مقدمه کتاب اشاره نموده‌اند احتمال دارد این کتاب کمبودها و نارسائی‌هایی داشته باشد لذا از خوانندگان عزیز تقاضا دارد از هرگونه همکاری برای تکمیل و تنظیم تاریخ خلق ترکمن که در برگیرنده تمام خصوصیات قومی آن باشد دریغ ننمایند مزید تشکر است.

مراد دردی قاضی

(نمونه اطرسی)؟ نام فرد نیست بلکه زبان اطرسی است و نام جزوه
 در تفهیم احوال خراسان (بدون نام نویسنده) در مجله باران نرنگ است
 ۱۱۰۵

اوضاع جغرافیائی نلات ترکمن

در مورد منطقه جغرافیائی و محل زندگی ترکمانان نمسه
 اطرشی می نویسد *

از ترکمن ها روایات مختلفی شده است و هر يك از این
 روایات به ملاحظه وضع پلتیکی و هواخواهی و شاید
 تعصب بی جای روایت کنندگانی که متعلق بدولتی هستند که
 در ملت های مشرق زمین صر فه بجهت آنها منظور است اختلافی
 پیدا و خواننده را سردرگم می کنند و از این روایات اطلاعات
 بدست آمده یا موقتی و یا نادرست بوده اند * و حق این است
 که شرح حال ترکمن ها را بطوریکه هستند داده و در مورد
 محصول و روابط زمینی که آنها روی آن زندگی می کنند به
 تفصیل بنگاریم *

لرد بایرون که یکی از شعرای معروف انگلیسی می باشد
 ضمن اشعار خود گفته است که وضع زمین اساس عمده تفصیل
 احوال قلبی هر ملتی میباشد که در روی آن سکنی دارند *
 محض این فقره لازم می دانم که اول درباره اوضاع
 زمین های ملت ترکمن مفصلاً شرح داده و سپس در مورد
 پیدایش و تاریخ ترکمن ها و در مورد طوایف مختلف ترکمن بحث
 و گفتگو نمایم *

زمینی که مابین خزر و آمو دریا واقع است مشتمل بر صحرایی بسیار وسیع و شن زار است موسوم به قره قوم و قسمت بسیار جزئی از آن صحرای عظیم قابل زراعت است. این صحرا مانند حلقه ای برامکنه ترکمن ها احاطه دارد. اصل و اول ترکمن ها در همین منطقه میباشد. این حلقه فقط قسمت شمال بواسطه کف قدیمی که آمو دریا را به دریای خزر منتهی می نماید مقطوع شده است. در قدیم پنی سئی و آن سوی ویرانی شمال که در خاک چین و مغولستان میباشد اولین جاهائی هستند که ترکمن ها از آنجا بمکان فعلی یعنی این صحرای بزرگ و مرکز آن یعنی اوزبای آمده اند. زندگی در این مکانها به هیچ وجه امکان ندارد چون آب که مایع و اساس زندگی انسان و ابتدائی ترین وسیله حیات زندگی بشر است در آنجا به آسانی یافت نمی شود.

خطوط سرحد په این مملکت از طرف شمال شرقی اوزبای و از طرف شمال غربی آمو دریا و در سمت جنوب شرقی آخرین تپه ها - ی هندوکش در حدود ۹۰ کیلومتر در داخل خاک افغانستان - ن و از جنوب غربی به دریای خزر و رود گرگان و علامست مرزی فارس زبانان با ترکمن ها که به شاه مرزیا شاه کیله معروف است و از جنوب به استرآباد و خراسان محدود می گردد. این زمین های وسیع که تا مسافت بعیده امتداد دارند از حیث نمو محصول جز قسمت خیلی کمی که در خاک ایران قرار گرفته و هم چنین زمینهای که در اطراف عشق آباد و حوالی سیحون و پاراب و چهارجوی هستند بقیه، یعنی هشتاد درصد دیگر از نظر نمو نباتات و سکنه ای که دارند وضع بخصوص و رقت باری دارند. آدم و حیوان قلیلی می تواند عادت بزندگی در آنجا داشته باشد. زمین های آن یا شن زار و یا خاکی سخت مانند سنگ است که روی آن حتی اثر سم اسب نیز نمی ماند

طول این مملکت از مشرق به مغرب ۸۰۰ الی ۹۵۰ کیلومتر و عرض آن در حدود ۳۰۰ الی ۷۰۰ کیلومتر است. بارانی که در این مناطق در زمستانها میبارد در چاههای عمیق و پست جمع شده و تولید استخرهای طبیعی را مینماید و آب در آنها تا ماههای دوم و سوم از بهار میماند.

با این وجود تعداد این استخرها بسیار کم بوده و از چشمه و آبشارهای پر آب هم خبری نیست جز چند رودخانه که متأسفانه آنها نیز پس از طی چند کیلومتری در شن زارهای اطراف فرو می‌روند.

در ماههای اسفند تا اردیبهشت جمیع زمینها حتی شنها هم از یک نوع سبزی که رنگ آن مایل به زردی است پوشیده می‌شود و گوسفند و شتر از آن چرا می‌نمایند و بقول ترکمن‌ها و (قازاق) های ساکن در منطقه این سوزاق* ها بهترین خوراک برای دام و تنه خشک آنها بهترین وسیله درست کردن آتش و پختن نان میباشد.

ولی در چنین جاهائی نگاه داشتن گوسفند و شتر هم لزومی ندارد. چون که در این صحرائ غیر مسکونی حتی گرگ هم یافت نمی‌شود. همین امر موجب هجوم این قبایل از ظلم طبیعت به مناطق خوش آب و هوای مازندران و خراسان و افغانستان شده است. البته به ترکمنان در ادوار گذشته در تواریخ و سفرنامه‌ها مؤلفین نسبت بی رحمی و کینه توزی و غارتگری و مردم آزاری داده اند ولی اگر با توجه به طبیعت آنها این قضاوت را می‌کردند شاید چنین قضاوت عجولانه ای نمی‌کردند. و رفتار دیگران را هم نسبت به این مردم زجر کشیده در نظر می‌گرفتند.

* - سوزاق = بزبان قزاقی علف (سازاق)

اکنون باز هم در مورد سایر قسمت‌های خوب و جلگه‌ای این منطقه توجه کنید . در يك قسمت این سرزمین ولایت ترکمن‌نشین دریای خزر قرار دارد که از دریای خزر امتداد داشته و قسمت بیشتر از خلیج کایداق* را شامل است و تنهٔ خاک مرت و یقلتون و کیندرلی و قرابوغاز و بلخان بوده و به مغرب محدود می‌باشد سرحد مشرق خیه و مرت یقلتون در شمال و اترک و حسن قلی در سمت جنوب آن واقع است و به دو قسمت مساوی تقسیم می‌شود که اندازه آنها از یکدیگر اختلاف فراوان دارد . قسمت شمالی که خیلی بزرگتر است مشتمل بر صفحه مرتفعی است که از کوه اوست اورت پانصد الی هفتصد پا ارتفاع آن می‌شود و تا قسمت شمال تا رودخانه امبا امتداد دارد و در مشرق دریا — ی خزر در مغرب دریاچه آرال و در جنوب يك قسمت از — اوزبای واقع است و این امتداد زمینی است که از خط کراسنود — سک و خلیج بلخان امتداد دارد در جاهای خشک بی آب و زمینهای آهک دار کوه اوست اورت معادن بسیاری از نمک قرار دارد و در نزدیکی معادن مزبور صفحه زمین کوهساری ملاحظه می‌شود . دره طولانی که تا دامنه کوههای قره تان و آق تان امتداد دارد بر خلاف سایر مناطق آب فراوان و چمنهای خوب دارد . ارتفاع کوههای مزبور دو هزار و پانصد پا میباشد و در قسمت جنوبی مخصوصاً " مشتمل بر صحرای تراقوم بوده و تا دامنه کوهها و تپه هائی که جلوه خلیج بالخان واقع است امتداد داشته و روی خطی قرار دارد که به طرف جنوب غربی واقع بوده و طول آن چهار صد کیلومتر میباشد و این خط بواسطه دو معبر قطع شده است .

آن که پائین خلیج بالخان و معبر و کف قدیم رودخانه واقع

* — کایداق = خلیجی در ترکمنستان شوروی

است موسوم به بالخان بزرگ میباشد و مرتفع ترین نقطه آن درم داغ است که ارتفاع آن پنج هزار پا میباشد. و قسمتی نیز مابین دو معبر قرار گرفته موسوم به بالخان کوچک که مرتفع ترین نقطه آن دو هزار و پانصد پا بوده و در نزدیکی قزل آروات به کورن داغ می رسد که ارتفاع آن به دو هزار و سیصد پا میرسد.

بعد از آن این زنجیره کوه که ظاهراً "قدری بالاتریک زنجیره غیر مقطوعی تشکیل می دهد. موسوم به کوبیت داغ یا دامنه کوه است که بالاخره به پرویا میسوس متصل میگردد. در قسمت جنوبی کوبیت داغ هزار مسجد که دو هزار پا ارتفاع دارد واقع شده است و در سمت جنوب شرقی این سرزمین چند رشته کوه متصل شده و بطرف استرآباد امتداد داشته و در آنجا به زنجیره کوههای البرز متصل می گردد از این کوهها یک شکل مثلث مانند احداث می شود که دو خط آن از دو کوه تشکیل شده و خط پائین آن دریای خزر است یعنی خلیج بالخان تا مصب رودخانه قره سو که در خاک ایران جریان دارد.

در قسمت جنوبی این مثلث بعد از دو رود نامبرده اترک واقع است که پس از عبور و قطع کوه در این مثلث در کنار قریه ای بنام آجی یاب به دریا می ریزد و این رود جمیع آبهای را که از کوههای واقع در حول و حوش می آید همراه خود میبرد و عمده ترین آنها رودخانه سومبار میباشد که سرحد شمال و شمال شرقی کوهها را تشکیل داده و آبهای چاندیر را می کشد. تقریباً "به مسافت ۲۰ کیلومتر در جنوب مصب اترک هر دو رودخانه کهنه گرگان و رودخانه فعلی گرگان در کنار قریه خواجه نفس داخل دریای خزر میشود. از این شرح معلوم میشود مسافتی که مابین دو مثلث واقع است در قسمت غربی و جنوبی آن حاصل خیز میباشد.

این مملکت بواسطه این مثلث تقریباً "از بادهای شمال و

شمال غربی محفوظ است آب فراوانی داشته و دارای جنگلها و
 چمنهای زیادی میباشد و در آنجا درختانی مخصوصاً "مازوملیج"
 - توسکا - و انار و درخت زرد آلو و انجیر و لیمو و توت
 و تاک و محصولات چون برنج و پنبه و گندم و نیشکر می روید . -
 بارون بود در بعضی از یادداشتهای خود که در باب ترکمن ها ی
 جنوب شرقی دریای خزر یعنی جعفریای و آتابای و گوگلان ها
 نوشته از مالکی در نزدیکی گرگان واقع در شمال ایران گفتگو
 مینماید و می گوید در مسافت های خود به آسیا و ایران هیچ
 قطعه زمینی ندیده ام که قشنگ تر از اطراف استرآباد و دشت
 پرعلف ترکمن صحرا باشد که شکوه زمینهای انگلیس و شکل
 اراضی کوههای آلپ در آنجا ملاحظه می شود .
 البته دو جزیره قزل سو و چرکس در شمال شرق خزر و
 آشوراده در جنوب شرق خزر را هم نباید فراموش کرد که آنجا را
 بهشت جزایر خزر و باغ وحش طبیعی این مناطق میدانند .

ترکمن ها از پیدایش تا اسلام

در مورد ترکستان و شناخت تاریخ آن روایات و کتب زیادی نوشته شده است اولین کتاب هایی که در مورد این قوم در آن سخن بمیان آمده است صورت العرض و حدود العالم و تاریخ بیهقی میباشند . ولی بطور کلی میتوان نتایج کاوش ها و مطالعات مستشرقین را در سالهای اخیر قرن حاضر ثمر بخش نامید . که بوسیله ایران شناسان اروپائی و دانشمندان روسی و چینی بعمل آمده است از این کاوش ها نتیجه گرفته میشود که ترکان در حدود نه قرن قبل از میلاد مسیح در نواحی ترکستان - ن و غرب چین و جنوب مغولستان و شمال خزر و ایران قدیم میزیسته اند . و بطور کلی بدو دسته ترکان غربی و شرقی تقسیم می شدند که این گروهها در قرن هفتم میلادی حکومت بزرگی را تشکیل داده و بعدها ترکان غربی و ترکان شرقی متحد شده و بزرگترین امپراطوری را در تاریخ آسیا بوجود آوردند . که در بعضی از تواریخ اسلام از آنها بنامهای یاجوج و ماجوج و خزر - ها و سکاها و غیره نام برده اند .

ترکان غربی بنام هونها و بچناک ها و ترکان شرقی بنامهای طفقاج ها و باشقیردها و خزرها نام برده می شوند . ترکان شرقی باز به دسته های چون اوغوزها و قره قالپاق ها و غوزها و قزاق ها و اوزبک ها و قیرقیز و تاتارها تقسیم شده اند که در قرون اولیه اسلام از جنوب مغولستان و غرب چین بطرف جنوب سرازیر شدند و اولین گروه آنها را بنامهای اوغوز یا غوزها که

بنام ترکمان یا ترکمن معروف گردیده اند طبیعت ناهنجار ینسی سئی و ویرانی شمال مجبور به مهاجرت و ترك موطن نمود . و بر آن داشت که پس از گذشتن از رودخانه آمودریا و سیر دریا قره قوم ، قزل قوم و قبیچاق در حدود ترکمنستان و ترکمن صحرای فعلی ماندگار شوند . و امروزه در شمال خراسان و در دشت ترکمن صحرا و منطقه وسیعی از خاک ترکمنستان و در قسمت زیادی از خاک - افغانستان و خاک چین زندگی میکنند . بموجب فرهنگ فارسی دکتر محمد معین ترکمن نام قومی است ترك در آهنبای مرکزی و از قرن پنجم هجری نخست بشکل فارسی توسط نویسندگان ایرانی و از جمله بیهقی نامشان در کتابها برده شد و به همان معنی که (غز) و اغز در ترکی و عربی نیز بکار رفته است که بعدها بعلمت مهاجرت - ترکمانان بسوی مغرب زیان و قیافه آنان تعدیل یافت . البته این نظریه اگر کمی در مورد تاریخ و ورود این قوم دقت می شد بسیار صحیح است .

ترکان آذربایجان نژادشان به ترکان غربی بچناك و ترکها - ی مغولی میرسند که از شمال خزر از راه ساحل شمالی و غربی آن به حدود آذربایجان رخنه کرده و بترکان آذری معروف گردیده اند و ترکان عثمانی نیز تیره ای از ترکان شرقی و از ترکمانان اغیز بودند که بعلمت عدم سازش در عهد سلجوقیان با برادران ترکمن خود از طریق خراسان و اصفهان ، و عراق عجم و آذربایجان به دشت های آناتولی و روم شرفی رفته و بعدها دولت مستقلی تشکیل داده اند . و مهمترین نشانه این برادری آنها با ترکمنان را تلفظ و نزدیکی لهجه و زبان آنها دانست .

و اما چرا ترکمنها را ترکمان و یا ترکمن می گویند برماچندان معلوم نیست ولی در بعضی از تواریخ ترکمن ها را بمعنی سر - گردانها و جادرنشین ها و ترکمان را با معنی سخت کمان

آورده اند . که قطران تبریزی در مورد سپاهیان ترکمن امیر منصور و هسودان ابن معلان امیران اصفهان و تبریز در اوائل قرن چهارم می گوید .

بدین مبارز خرگاهیان سخت کمان

شگفت نیست که بر آسمان زنی خرگاه

و اما تازه ترین سندی که چینی ها در منطقه ینی سئی در تاتارستان چین کشف کرده اند الواح و نوشته هایی است که از زیر خاک بدست آمده است و در آنها از قومی بنام توکومونگ که بزبان چینی ترکمان نامیده میشود نام برده شده است .

و هم چنین مطالب مهمی در مورد آنها قید گردیده است . البته ترکمن در زبان ترکی به معنای من ترک هستم میباشد . زیرا ترکمنان سایر ترک ها را مردمی مخلوط شده و فرهنگ از دست داده می دانند . و خود را ترکهای با فرهنگ قومی اصیل و دست نخورده دانسته و کلمه ترک + من یعنی من ترک هستم را بخود اختصاص داده اند .

ترکمن ها پس از ظهور اسلام

پس از حمله اعراب به ایران و پس از آن به شمال و شرق عنصر ترک نژاد به طرق مختلف از قبیل غنائم جنگی و اسیر بدست سرداران فاتح اسلامی به ممالک مسلمان آورده شدند و بدین طریق در کشورهای اسلامی پراکنده گردیدند *

این مردم بعنوان غلام یا کنیز فروخته می شدند و بر اثر رشادت و از خود گذشتگی کم کم به درجات بالاتر می رسیدند و حتی عنان حکومت را نیز در دست می گرفتند * از جمله این غلامان آلپتکین و غیره هستند که در ایران و سایر کشورهای مسلمان حکومت هایی تشکیل دادند *

ولی گروهی از ترکان بر اثر یورش یا بهتر بگوئیم بعلت فرار و مهاجرت از ظلم طبیعت از سرزمین اصلی خود دسته دسته به سرزمینهای پر برکت و متمدن چین و هند و ایران که در آن زمان بهشت مهاجران و ترکان مسلمان نامیده میشد سرازیر شدند و این جماعت نیز حکومتهایی چون سلجوقیان و خوارزمشاهیان و قراختائیان و امثالهم را در ایران و سایر کشورها — ی دیگر همسایه تشکیل دادند * نخستین حمله ترکان را به ایران بعقیده مورخان روسی و چینی قبيله ای از ترکمن ها به نام غزان به شهرهای ایرانی و آریائی بتوسط سردار نامدارشان بغراخان نواده مستق بغراخان یا ساتلیق بغراخان به شهر اسپجیاب نمودند و کم کم به بلاد دیگری روی آوردند *

از سوی دیگر قبيله ای از ترکمانان بنام قراختائیان بر اثر

سلطوت سلطان محمود غزنوی تا سیحون و جیحون رسید و ولی نتوانستند از آن بگذرند و در داخل خاک ایران رخنه نمایند . و ایمن توفیق برای دسته ای از ترکمنان غز بنام سلاجقه باقی ماند و این دسته از غزنویان در اواخر قرن چهارم شروع به مهاجرت بداخل خاک ایران نمودند و در جند و بخارا سکونت گزیدند . این دسته که همان ترکمنان سلجوقی می باشند بسرعت در ماورالنهر و خراسان و سمت شرق خزر تا کناره های جنوبی رود گرگان پراکنده شدند و در همان زمان مسلمان شده و مذهب رسمی خراسا — نیان را که مذهب سنت و جماعت و فرقه حنفی بوده است پذیرفتند .

ترکمنهای سلجوقی پس از قبول اسلام و سکونت در ماورالنهر بزودی در جنگهای آن نواحی شرکت کرده و مذهب اسلام را تا قسمت های عظیم صحرای قباچاق و تاتارستان چین و قزاقستان گسترش دادند . و حتی سلطان محمود بر اثر رشادتی که آنها در سرکوبی قبایل ترک و کالموق های (قالموق های) غیر مسلمان از خود نشان دادند اجازه داد که در خراسان اقامت کنند و از چراگاههای سرسبز شمال خراسان جهت چراگوسفند — ان و احشام دیگر خود اجازه بهره برداری را داشته باشند و این یکی از بزرگترین اشتباهات تاریخی شاهان آن زمان ایران بود . زیرا مدتی نگذشت که ترکمن ها پس از اقامت در خراسا — ن شروع به ایذا و آزار و غارت مردم خراسان و بخصوص — شیعیان علوی خطه گرگان کردند که سلطان محمود آنها را شخصا با لشکر خود سرکوبی و به محل اصلیشان یعنی آن سوی آبهای سیحون عقب راند .

پس از این شکست عده ای از این ترکمن ها از راه مازندران و عراق و عجم به آذربایجان و حدود اصفهان مهاجرت کردند . و ضمن این مهاجرت عده ای از این ترکمن ها بخدمت

امیر منصور و هسودان ابن مملان در آمدند .
و این دو دسته موجب نیرومندی امیران نامبرده گردیدند —
بطوری که شاعر معروف قطران تبریزی شاعر دیار امیر هسو —
دان در مورد لشکریان ترکمن که موجب نیرومندی دولت امیر —
نامبرده شده بودند . می گوید :

بدین مبارز خرگاهیان سخت کمان شگفت
نیست که بر آسمان زنی خرگاه لیکن چون بعد از مدتی ابهت و
عظمت این گروه موجب وحشت امیران نامبرده گردید . آنها را از
اصفهان و بدنبال آن از آذربایجان بیرون راندند . ولی در
همین دوران غزان سلجوقی (سال جیقی) بسرپرستی چند
تن از امیران و با اتحادیه چند قبیله ترکمن دیگر هسود غز —
نوی را شکست داده و ایران را تسخیر کردند و این دسته هسودسته
— های دیگر از ترکمانان در همین زمان فاتحانه بر خراسان
و سپس بر سایر بلاد و نواحی ایران مستولی شدند و هم —
چنین ترکان و ترکمانانی نیز در بیزانس و بلغار و کریمه و روم
شرقی بسرپرستی عثمان خان مهاجرت کرده ماندگار شدند .
و امروزه دولت ترکیه را تشکیل داده اند بنام ترکمانان غز یا
اغز معروف اند . ترکمانان اگر چه بر اثر حسن عقیده ریش —
سفیدان (آق سقال ها) و سران (یاش اولی) های خویش
از قتل و غارت و چپاول در ممالک مفتوحه خود داری —
کردند ولی بهر حال تسلط آنان خالی از ایذا و آزار نبوده
و نمونه هایی از قتل و غارت این قوم در تواریخ مذکور است البته
به ترکمن ها هم در این مورد نمی توان ایراد گرفت زیرا نبرد
و جنگ در هزار سال پیش جز کشتار طرفین بخصوص طرف
ضعیف نمی تواند چیز دیگری بدنبال داشته باشد .

برای اطلاع بیشتر از حمله ترکمانان غز و حوادث آن دوران
میتوان به کتاب کامل التواریخ ابن الاثیر حوادث سال ۵۴۸ و

کتاب راحه الصدور از راوندی (ص ۱۷۷ تا ۱۸۱ رجوع کرد .
 اما این را نباید فراموش کرد که مهاجرت‌های پیاپی ترکمن‌ها
 بجان‌ب مشرق و مغرب و جنوب یعنی ولایات ماورالنهر و هند
 و بیزانس و بلخار و کریمه و روم شرقی و شام و شمال ایران باعث
 شد که اراضی اصلی آنها در سواحل سیحون و جیحون و ینی
 سئی و قراقوم تا حدود بالخان کوچک بخصوص مرکز آنها منگ
 قشلاق و کوه‌های آق تان و قره تان بتوسط طوایف ترکمن دیگر
 و ترک و اوزبک و قباچاق و قزاق‌های اولی یوز و اورتایوز و کچی-
 یوز تصرف گردد . و ترکمن‌های سارق و قره ویکاول و اولاپاته و
 کونجاش و چو در نتوانستند از نفوذ آن اقوام بفرز زمین وسیعی
 که در اختیارشان گذاشته شده بود جلوگیری نمایند و اما قبیله
 قرلق - خلخ - یا خرلخ که نامشان در کتب قدیمه ایرانی
 بسیار آمده است یکی دیگر از طوایف جنگجوی ترکمان بودند
 و نفوذ این طایفه را مخصوصاً " در اتحادی که در دوران سلجو
 - قی با قراختائیان بر ضد سلطان سنجر کرده و مایه شکست
 این پادشاه شدند نمی‌توان فراموش کرد . گرچه این اتحاد
 دیری نپائید و مسائل کوچک و بی اهمیتی از قبیل اختلاف
 چوپان‌ها بر سر استفاده از چراگاه و آب موجب اختلاف
 ترکمن‌ها گردیده بطوریکه (ایلک خان) ترکمن جوانان صحرا
 نشین را بدور خود جمع و با خود متحد نموده بکنگ
 گورخان رفته و از آن سیزخان خوارزم شاه نیز در این مورد
 کمک خواسته و گورخان را شکست دادند . از ترکمنان خلخ فعلاً
 طایفه ای باقی نمانده ولی مورخان فکر می‌کنند که شاید
 همان ترکمن‌های چودر ویکا اول و اولاپاته در روسیه کنونی
 باشند این گروه ترکمنان معروفیت خاصی در ادبیات فارسی
 دارند و این معروفیت آنان در پیش شعرای ایرانی قدیم‌ب‌خاطر
 زیبایی و ظاهر نیکوی دختران و زنان آنها میباشد که موجب

ستایش شعرای پارسی زبان ایران قدیم گردیده است.
 استاد سعید نفیسی مورخ ایرانی در کتاب تاریخ ایران در
 مورد حمله سلجوقیان به ایران می‌نویسد: «بدبختی عراق
 عجم در این بود که ترکمانان و خراسانیان آنها را بسبب دا-
 شتن مذهب شیعه علوی بیدین و رافضی و بد مذهب
 می‌دانستند» و به همین سبب هم از قبول همکاری آنان امتناع
 می‌نمودند. «پیدا است با این مردم بدترین رفتارها را
 داشتند» و تمام گرگان و کرمان و اصفهان سالها دستخوش
 غارت و چپاول ترکمانان غز سلجوقی بوده است و این هیچ علتی
 نداشت جز فحش و دشنامی که نسبت به مقدسات سنی-
 های ترکمن از طرف علویان صورت می‌گرفت و عکس العمل
 ترکان و ترکمانان نیز کشتار و غارت بوده است؛ بدین
 جهت به وضع خراسان و عراق عجم اشاره می‌کنیم. در عراق
 عجم ترکمانان سلجوقی و پس از آن غلامان سپاهی ترك و
 خوارزمشاهیان در طول يك قرن و نیم دمار از روزگار
 عراقیان برآورده و مردم این قسمت ثروتمند را بখاك سیاه
 نشانند.

و با اینکه طغرل بیگ هنگام تسلط بر نیشابور در رمضان
 ۴۲۹ ترکمانان را که اصرار به غارت و چپاول آن شهر پربرکت
 داشتند باز داشته بود، ولی هنگام تسلط بر عراق عجم او و
 سپاهیان از هیچ غارت و چپاول خود داری نکردند. برای
 دانستن این غارت‌ها میتوان به کتاب تاریخ دولت آل سلجو-
 ق نوشته عماد الدین محمد بن حامد اصفهانی رجوع
 نمائیم.

ولی انصافاً این را نباید فراموش کرد که همین ترکمانان
 و پادشاهان ترك طرفدار سرسخت اسلام و بقای قوانین اسلامی
 و اجرای دستورات آن بودند و هم چنین مشوقین هنرمندان

و دانشمندان و علمای دین و شاعران و کاتبان و خطاطان و —
 اطبای زبردستی بودند که در این دوران ظهور کردند
 و در سایه توجهات این پادشاهان بهترین زندگی را گذرانیدند
 و در بزرگترین نظامیه ها و دانشگاههای اسلامی که بفرمان
 همین پادشاهان احداث گردیده بود روزگار میگذرانیدند .

طغرل بیک مردی دین دار و با تقوا بوده و از روی —
 خصلت ایللی و سادگی خود نسبت به خلیفه بغداد ارادت —
 خاصی می ورزید و امیر را امیرالمؤمنین و خود را همیشه و در
 همه حال بنده و نوکر او دانسته و خود را حافظ سنت رسول
 و مذاهب چهارگانه سنت و جماعت می دانسته است حتی در رمضان
 — ن ۴۲۹ همانطوریکه قبلاً هم اشاره شد پس از مشورت
 بایاش اولی ها و آق سقال ها پیرمردان و ریش سفیدان
 قوم ترکمن که مرکز فرماندهی لشکریان او بحساب می آمدند
 ترکمن ها را بعزت اینکه جنگ در ماه رمضان حرام است از
 غارت شهر نیشابور باز داشت ، در این اثناء خلیفه بغداد
 ترکمانان را از خدای ترسانیده و نامه ای بسوی آنها فرستاده و
 آنها را به عبادت و رعایت عمارت بلاد راهنمایی کرد .
 ترکمانان بر رسول خلعت های فراوان داده و از اینکه خلیفه
 مسلمانان به آنان نامه ای نوشته است مباهات و افتخارات فراوان
 کردند و طغرل خان رسولی از خراسانیان معروف به
 ابواسحاق الققاعی را به دار الخلافه بغداد فرستاد و خود
 و تمام ترکمانان را بندگان امیرالمؤمنین شمرده در هر حال این
 احترام به مذهب و دین از طرف ترکمانان باعث شد که آبروی
 از دست رفته خلفای بغداد خریداری شود و دوباره شوکت و
 عظمت بر آنان بخشد .

وضع مذهبی مردم ایران در عصر سلجوقیان :

ترك ها دارای مذاهب مختلفی بودند عده ای از آنها مخصوصاً "قبچاقیان مسیحی و عده ای نیز به مذهب شیعه و گروهی نیز بت پرست و بودایی و طوایفی نیز لامذهب بودند. ولی اکثریت تركها بخصوص تركمن ها، تركان آذربایجان و شام و عثمانی و تركان غزنین و قراخانیان دارای مذهب سنستزو جماعت راز فرقه حنفی بودند. و مردم سایر نواحی ایران جز در اهواز و قم و سبزوار و قسمتی از خراسان و طبرستان و رویان همگی در مذهب شافعی بودند.

وضع اقتصادی و اجتماعی تركمن ها در عصر سلجوقیان :

تركمن ها در عصر سلجوقیان یکی از نجیب ترین طبقات کشور محسوب می شدند. و چون عده ای از افراد تركمن ها و هم چنین برادران دیگر تركمن آنها صاحب کشور بوده اند لذا در منطقه های خود بخصوص در تركستان و تركمن صحرا از اختیارات وسیعی برخوردار بودند. و — بهترین زمین ها را گندم و حو می کاشتند. بهترین مراتع را به گوسفندان و شتران و اسبان و سایر احشام خود اختصاص داده بودند. و شاه نمایند مخصوص در منطقه آنها گماشته بود که مشکلات آنها را بررسی و حل و فصل نماید. بهر حال زمان سلجوقیان دوران — عظمت و اقتدار قوم تركمن بوده است زیرا این فاتحین تركمن بودند که طغرل و فرزندان دیگر سلجوقی را به سلطنت رساندند. و به همین مناسبت نسبت به مردم بومی مازندران و گرگان احساس سروری می کردند. این وضع ادامه داشت

زیرا پس از سلجوقیان نیز حکومت بدست ترك و تركمان اداره می‌گردید . و در واقع مهمترین دوران تسلط ترك و تركمان تا حمله مغولان بود و پس از آن حکومت طوایف ترك نیز تقریباً " به پایان رسیده گرچه بعد از مغولان نیز تركمن ها — بی چون آق قوینلوها و قره قوینلوها و نادرشاهیان و قاجارها حکومت را بدست گرفتند ولی چندان مورد رضایت تركمن ها نبودند زیرا جز آزار و جنگ و سرگردانی چیز دیگری نصیب آنها نشده بود .

www.tabarestan.info

وضع ترکمن ها در عهد مغول

گروهی از تاریخ نویسان و محققین داخلی و خارجی بر این عقیده هستند که هنگام حمله مغول ترکمانان که همسایگان جنوبی مغولان بودند بر سه دسته تقسیم می شوند :

گروهی از ترکان و ترکمانان که در دربار شاهیان خوارزم - مشاهی مقام و موقعیتی داشتند از ترس نابودی اهل و عیال و یورتهای خود به حدود شام و شمال عراق امروز رفتند و عده ای نیز به جنوب ایران مهاجرت کرده اند یا بعبارت دیگر این گروه از مقابل هجوم مغولان (قلموق ها) فرار کردند و خود این فراریان نیز به چند دسته تقسیم و به حدود چین و هندوستان و مناطق جنوب اصفهان و اطراف شیراز رفتند که بعدها در چین و در منطقه تاتارستان حکومتی تشکیل داده اند و موجب پیشرفت و گسترش دین اسلام در منطقه خطای گردیدند . و هم چنین در هند نیز سلسله های متعدد - ی از این فراریان بر سر کار آمدند . ولی آن گروهی که بجنوب ایران رفته اند بعدها نخست در بین ترکمن ها و سپس در سراسر ایران به قشائی یا ترکمانان فراری که بزبان ترکمن قاچاق لریا قچقایی لو که بعبارت فراریان معروف گردیدند . این گروه قبایل از ترکمانان هستند و از قبیله باشقیرد و خلخ و قرق میباشند . در واقع باید آنها را با توجه به تقسیمات ایلی و طایفه ای و زبان که مشابه ترکمن ها هستند بعد از ترکمنهای ترکستان روس و ایران ترکهای واقع داشت

ولی با این وجود ترکمن ها در همه حال ضرب العثل معروف (اصلی مندان دور اول کافرینک) در اصل ازمایا باشد آن کافر را در باره ترکهای شیعه . آذربایجان بکار میبرد مانند و حتی کور اوغلی قهرمان حماسه ای آذربایجانی ها را هم از ترکمن ها می دانند و او را هم عصر صفاخان پسر چقان خان - می شناسند .

ولی دسته ای که در خدمت خان قالموق درآمده و در خدمت (تیموشین) خان بودند به ترکمنان و ترکان مغولی معروفند که اوزبک ها و قره قالپاق ها و تاتارها و سالورها و ساریق ها و ترکمنهای بکا اول و قزاق های اولی یوز - و اورتا - یوز بودند زیرا این گروه تقریباً از سالیان دراز با کالموق - ها نه تنها داد و ستد بازرگانی و نسبت فامیلی و ازدواجها - ی قومی داشتند و در یک مرتع گوسفند و شتران و اسبها - ن خود را می چرانیدند . بلکه جز در مذهب در همه چیز با هم مشترک بوده اند . وجود سرداران تاتار و ترکمن شنگیز خان چون جیبی و سوریاتای که از پسران خان هم با و نزدیکتر بودند دلیل بر این مدعاست . از ترکمنهایی که بشام فرار کرده اند میتوان قبایل شاملو - ذولقدرلور - و قجارها (قاجار) ها و استا جلو و قرخلوها را نام برد ولی چند ایل بزرگ و پراکنده ترکمن که در شمال خراسان و در ترکمنستان و مناطق شمال گرگان بوده اند . بعلاست زندگی صحرائی و چادرنشینی و وسعت صحرائی عظیم ترکستان و کوههای سر بقلک کشیده آن و بعلاست عدم تجمع در شهرها تقریباً " همگی بدون هیچگونه ضرر و زیانی از شر اشرار مغول در امان ماندند .

و همچنین تعصب هم خونی برادران دیگرشان که در خدمت خان مغول بودند آنها را از شر زبان مغولان مصون داشته و حتی مورد احترام چنگیز و بازماندگان آنها قرار داده است و بخاطر تربیت اسبهای اصیل ترکمنی مورد تجلیل

بوده و جزو طبقه مورد احترام و نجیب مملکت درآمدند .
تنها جلال الدین خوارزمشاه که از مادر ترکمن بود با ترکمن-
ها و به کمک سردار ترکمن خود تیمورتاش مدتی در مقابل
مغولان ایستادگی کرد .

وضعیت ترکمن ها در عصر مغولان :

ترکمنها در عصر مغول گرچه از آسیب و زیان و ضرر
مغولان در امان بوده اند ولی از طرق دیگری مورد ستم
قرار گرفتند زیرا بسیاری از اسبها و اشتهران و رمه های
ترکمانان یا به تهدید و زور و یا با غارت و چپاول به تصرف
سربازان مغول درآمدند . و همچنین مقدار بسیاری از آزاد-
و قه ها و گندم زارهای آنها را در چهار جوی و حوالی
سیحون و گرگان مورد غارت لشکریان مغول درآمده
است .

و این سال را جزو بدترین سالهای اقتصادی ترکمن ها
به خصوص مردم نجیب گوگلان و آرساری و یموت بوده است .

اوضاع ترکمانان از تیمور تا صفویان

امیر تیمور که داماد امیر حسن بیگ ترکمن بود پس از برپا کردن قدرتی در ترکستان تاتارها و اوزبکها و ترکمانان تکمیل موت و بخصوص ساریق و سالورها و ترکمن های دیگر ترکستان را با خود همدست نموده با این نیروی عظیم تاتار و ترکمن به ایران و هند و تا کرانه های رود ولگا و از طرف مغرب تا دمشق و دشت آناتولی یورشهای تاریخی خود را آغاز کرده و نواحی نامبرده را به زیر سم سواران ترك و ترکمن درهم کوبید تیمور که در زمان و ادبیات ترکمن بنامهای تیمور کورنکه یا دمیرخان و غیره معروف است مردی دلیر و قدرتمند و سیاستمدار بود و از طرف پدر نسبت به تاتارها و چنگیز میرساند و به همین علت نیز با ترکمنهای ساروق و سالور و تکه بسیار مهربان بود و حتی با دختر امیر حسن بیگ رئیس ایل ترکمنهای سالور که نسبت خود را به تولی (تولی) خان پسر چنگیزخان میرساندند ازدواج کرده و بدین وسیله ترکمن ها و تاتارها و اوزبک ها را که سالها در جنگ و ستیز با همدیگر بسر می بردند متحد کرده و نیروی بسیار عظیمی از اتحاد این قبایل تهیه و تدارک نمود و این امر موجب پیشرفت کار او گردید *

همانطوریکه ذکر شد امیر تیمور با ترکمنها همیشه و در همه حال رابطه دوسانه داشته و تنها یک مورد قتل عام ترکمنهای آق قویونلو در نزدیکی های دره های با صفای شاهرود در منطقه سمنان از او در تاریخ ذکر شده است و مورخان علت آنرا —

اختلافات قبلی این قبیله با ترکمنهای یموت و گوگلان میدانند
در این کشتار ۲۰۰۰ چادر یعنی در حدود هشت هزار ترکمن
قتل عام و زنان و فرزندان ایشان نیز به ترکمن های گوگلان و-
یموت سپرده شدند تا جز و قبائل آنان گردند *

بطور کلی اتحاد و همکاری ترکمن ها با امیر تیمور در-
جنگ ها و نسبت فامیلی او با ترکمنان از طرف مادر و همسرش
باعث شد که ملت ترکمن در عهد این سلطان در ردیف بهتر-
ین و نجیب ترین طبقات مملکت محسوب شوند *

و غالباً " در جنگها و حمله ها از سران این قوم یعنی
ترکمن ها مشورت و راهنمایی خواسته می شده است و ریش
سفیدان ترکمن که در مراکز فرماندهی چه در سمرقند و خیوه و
چه در چادرهای سرداران در میادین جنگ پراکنده
بودند همیشه مورد لطف و محبت امیر تیمور بوده اند * ترکمن ها
- ی صحرا گرد نیز به هنگام یورش و آلمان اسبهای
خود را به همراه سلاحهای خود در پست در اختیار امیر
می گذاشتند و در راه او از هیچ گونه فداکاری دریغ نمی کردند *
این مراد و دوستی آنچنان همیشگی و ناگسستنی بود که
سالها بعد از تیمور هم ترکمنها داستان دلاوریهای تیمورکورته
و سرداران او را برای فرزندان خود در آلاچیقها و در کنار
آتش افروخته درون چادرها آب و تاب نقل می کردند * و حتی
روحانیت ترکمن نیز بطلاهای خود کتابهای نوائی و زیر
دانشمند تیموریان را تدریس می کردند *

تیمور در بین ترکمنها نماینده ای گماشته و به او سپرده
بود که هر نوع مشکلی برای ترکمنها پیش آید یا خود حل
و فصل کند و یا اینکه به حضور شخص امیر برساند و تا
آنجا که در ید قدرت شهنشاه است با ترکمنها مهربان
بوده و امور ترکمن صحرا و قره قوم و قزل آرا را توسط روحانیون

و آق سقالها و جوانان ترکمن اداره نماید .
 از دیگر امتیازهای ترکمن ها در این دوره این بود که
 چون تاتارها و اوزبک ها از دادن هرگونه مالیات معاف گردند
 و این امر موجب رشد اقتصادی و فرهنگی ترکمنها گردید
 البته نباید این را هم فراموش کرد که در این دوران بزرگترین
 قشودالها و خانها و سردارها و با تیرها و بگها در منطقه
 با هزاران رعیت بوجود آمدند که در هیچ دوره ای جز دوران
 نادرشاه نظیر آن بعدها در ترکمن صحرا و ترکستان دیده
 نشده است .

در این دوره از خوانین بزرگی نام برده شده که ثروت آنها
 بر طبق آمار امروزی بیش از ملیاردها ریال بوده است .

پادشاهی ترکمنها بعد از حمله مغول

دو قبیله آق قویونلو (سفید گوسفند دارها) و قره قویونلو (سیاه گوسفند دارها) در اواخر قرن سیزدهم میلادی یعنی ۷۰۰ سال پیش از ترکستان به آذربایجان مهاجرت کردند قبیله آق قویونلو در نواحی د پاریکر در خاک ترکیه امروز و حدود دریایچه وان اقامت کردند . و ایل قره قویونلو در نواحی ارزنجان و سیواش اقامت گزیدند . و غالباً " بعلت عدم سازش با عثمانیها خود را از آنها کنار می کشیدند .

اما چرا ترکمنها با برادران عثمانی خود سازش نکردند و دست اتحاد با قبایل مختلف فرزندان عثمان خان که از تیره ترکمنان غزیا اوغوز سلجوقی بودند نبستند . خود داستان کاملی دارد . شاید ساده ترین علت این ناسازگاری گله داری و اختلاف آنها در مسائل آب و زمین و امور چرا گاه بین چار - واهها بوده است . لذا چند قبیله از آنها جدا شده و به حدود شام و غرب ایران و عراق امروز آمدند . د

در تاریخ مغول در مورد ترکمنان مذکور چنین آمده است که در عهد سلطان اویس ایل خانی طوایفی از طایفه های ترکمن که به قره قویونلو یا قره قویونلی معروف بودند در حدود دریایچه وان و حوالی موش و موصل و جنوب غربی کرکوک امروز قدرت پیدا کرده بودند . و یکی از رؤسای ایشان بنام قره محمد چنانچه که در تاریخ نامبرده نیز عیناً " درج شده از یاران سلطان اویس ایلخانی شد و پس از فوت سلطان اویس

قرا محمد و برادرش بایرام خوجه ترکمانان مطیع خود را جمع کرده و مقداری از قلاع اطراف یورت های خود را تسخیر کردند و از دو طرف ممالک متعلق به ایلخانیان یعنی عراق و آذربایجان و از طرفی عثمانیها را نیز مورد تهدید قرار دادند .

در سال ۷۷۷ هجری سلطان حسین پسر سلطان اوپس ایلخانی لشکریانی از مردم تبریز و مراغه گرد آورده و جهت تنبیه و استیصال ترکمانان قره قوینلو بطرف دریاچه وان تاخته و ترکمانان را شکست داد و قلاع متعلق به ایلخانیان را که در اختیار ترکمانان بود پس گرفت .

قره محمد که مردی با سیاست بود موقعیت خود و ایلش را در خطر دید با دادن هزار گوسفند برسم پیش کش با سلطان حسین صلح کرده و ملاقات نمود .

دیری نگذشت که سلطان حسین در اردبیل کشته شد و تیموریان آن مناطق را تسخیر کردند نوه قره محمد ترکمن جوانی بنام قره یوسف بود که با افراد ایل خود بیجا خواست و حکومت ترکمانان قره قوینلو را تشکیل داد و بعد نیز این وظیفه حکومت کردن بدست آق قوینلی ها توسط مردانسی چون عثمان بیگ معروف به (قره سولیک) یا سیاه زالو که پدر بزرگ اوزن حسن پادشاه معروف آق قوینلی ها بود — واگذار گردید .

تاریخ قره قوینلو و آق قوینلو کماکان بر همه اهل مطالعه روشن و معلوم است و در اینجا لازم بتکرار نیست ولی همین بس حکومت این قبایل ترکمن بدست صفویه که نسبت به فامیلی نیز با آنها داشتند برجیده گردید .

در مورد ضعیف شدن و نابودی این ترکمنها در آن مناطق مدارکی در دست نیست ولی همین بس که باقیمانده این قوم

با ازدواج کردن و مخلوط شدن با کردها و اعراب و ترکها و مسافرت بداخل خاک عثمانی اصالت قومی خود را از دست داده و ترک و کرد و عرب شدند *

فعلا" از این ترکمنها گروه کوچکی که تعدادشان به سیصد هزار نفر میرسد در کشور عراق امروز بعد از اکراد و عربها و ایرانیها از اقلیتهای نژادی این کشور بشمار میروند و بنام ترکمنهای عراق معروفند *

آنطوریکه تاریخ شهادت می دهد ترکمنهای آق قوینلو و قره قوینلو در منطقه غرب ایران حکومت کردند * ولی دارای آن قدرت و عظمتی نبودند که خاطره سلطان محمود و یا شاهان ترکمان سلجوقی را زنده کنند ولی همین بس که آنها حدود ۱۳۰ حکومت باختر و جنوب و مرکز و شمال غربی ایران را تا گرجستان و ارمنستان بعهدده داشته و نسبت به سایر شاهان آن زمان دل رحم تر و انسان تر بوده اند ، گر چه پادشاهی نیست در تاریخ ۲۵۰۰ ساله ایران بوئی از انسانیت برده باشند *

وضعیت سیاسی و مذهبی مردم پس از حمله مغول در ایران و ترکستان

در آن دوران که از هرکوی و برزن کسی برمیخاست و ادعای سلطنت و آقائی می نمود حتی سبائیه نیز بر روی خرابه های کوهستان الموت جمع شده و در حال کسب قدرت بودند *

بطور کلی هرکس چه بوسیله زور و یا زر و یا بواسطه مقام دینی و یا قبیله ای در پی کسب قدرت و نفوذ و در فکر سروری و آقائی کردن بمردم ظلم کشیده از ستم چنگیزیان و

نیسوریان بودند * و در این راه نیز از هیچ گونه دسیسه و خون
 - ریزی و ظلم نسبت بمردم بیچاره ایران خود داری نمیکردند *
 در آن هنگام ایران را چند نوع جماعت یا خلق تشکیّل
 می دادند که نیرومند ترین آنها مردم ترك و فارس و كرد و طبر
 - ستانیها و خراسانیان و تركمنها بودند * مردمیكه در حین
 نیرومندی هیچ کدام نمی توانستند برای همدیگر قدرت نمائی
 كنند * زیرا همه این خلقها دار و ندارشان در حملات حكام
 مغول و تیموریان برباد رفته و روزگارشان سیاه گردیده بود *
 مذهب رسی آن دوران در ایران دین اسلام و مذهب
 سنت و جماعت بود و بخصوص شعبه شافعی در بین كردها
 و مردم فارس و اصفهان و آذربایجان رایج بود و حنفی نیز
 مذهب مردم بلوچستان و سواحل جنوب ایران و تركمانان و -
 تركستانیان بحساب می آمدند در منطقه عراق عجم و طبرستان
 و بعضی نواحی خراسان و اردبیل مردم ایران شیعی مذهب
 بودند و هر سال در ماههای محرم و عاشورای حسینی بین
 مذهب حنفی و شیعه و شافعی و شیعه زد و خورد های خونین
 و وحشت ناکی ایجاد می گردید كه بعلت ضعف و ملیت شیعیان
 - ن غالباً این مبارزات بزبان آنها بوده و متحمل تلفات
 و صدمات زیادی می شدند ولی دیری نگذشت كه با ظهور
 صفویان مذهب شیعه رونق گرفت و از این تاریخ كتابها و رسا-
 له های فراوانی توسط علمای شیعه نوشته و رایج گردید *
 كه متأسفانه بعلت عدم آگاهی مردم آن زمان این ترقی-
 مذهب شیعه در ایران آن روز باعث گردید كه جنگها و نبردهای
 خونینی بین دولت شیعه ایران و كشورهای سنی همسایه بروز
 نماید كه موجب تلفات و صدمات شدیدی به مردم مسلمان-
 ایران و كشورهای مسلمان همسایه گردید *

شاهان نادان صفوی نیز با انجام اعمالی از قبیل آتش

زدن مقبره علماء و دانشمندان اهل سنت در خراسان و مراکز ایران و آذربایجان و کردستان بخصوص کشتار بی رحمانه سنی های شهرهای مختلف ایران منجمه چهل هزار سنی در تبریز به آتش این دشمنی و جنگهای ناخواسته دامن زدند و سنی ها هم عمل متقابل کرده و چهل هزار شیعه را در خاک عثمانی بدست جلادان بی رحم خود سپردند و مردم ترکمن و اوزبک نیز با همدیگر همدست شده و کشتارهای وحشتناکی در خراسان کردند و نتیجه این کارهای صفویه این شد که مردم کردستان و بلوچستان و خلیج فارس و طوالتش بخصوص مردم ترکمن صحرا در تمام دوران صفویه و بعد از آن نسبت به دولت مرکزی بی تفاوت و حتی یاغی گردید و بقتل و غارت همسایگان شیعه خود بپردازند *

البته در اوایل این یک تعصب مذهبی ساده ای بیش نبود ولی بعدها دسیسه ها و فعالیت های سیاسی دولتین بزرگ و بی لیاقتی حکام و شاهان ایران باین دشمنیها دامن زدند بطوریکه در صفحات آینده خواهیم دید که چگونه انگلیسی ها با صفویان همکاری کردند و برای ضعیف کردن بازوی واقعی اسلام آن روز یعنی دولت نیرومند عثمانی سلاح و توپ به ایرانیان شیعه مذهب دادند * تا با آن جنگ برادر سنی خود عثمانیها بروند و بدین ترتیب عثمانیها را در صفحات مرزهای ایران سرگرم نبرد نمایند و خود فرصت را غنیمت دانسته و اندلس را از جنگ مسلمانان در جنگهای صلیبی بدر آورند ولی افسوس که هم سنی عثمانی و ترکمن و اوزبک و هم ایرانی شیعی از این امر بی اطلاع بودند و زمانی بخود آمدند که استعمارگران کار خود را کرده بودند و نام اندلس با سپانیا تبدیل شده بود *

فصل سوم زمان صفویه

شاه اسماعیل صفوی با گردآوری ترکمن‌ها و ترک‌های مغول — لی و اکراد بزرگترین قدرت لشکری آن زمان را بنام قزلباش‌ها تشکیل داده و اکثریت آنها از هفت طایفه معروف ترک‌های آذربایجانی و ترک‌هایی که از دوران لشکرکشی مغولان در آن حدود مانده بودند بوجود آورد و اکثریت آنها را قبایل چادر نشین خانلو — شاملو — استاجلو تکه‌لو — ذوالقدرلو و روملوها و ترکمن‌های قره‌قوینلو و قبیله‌های قرخلو بودند و حتی جهت تشویق و نزدیک کردن آنها به خود شعر ترکی می‌سروده و بخود تخلص (خطایی) را داده بود. شاه اسماعیل در مرحله اول ملوک الطوائفی را در ایران برانداخته و سپس جهت انتقام خون پدر بزرگ خود بچنگ گرجی‌ها و لزگی‌های سنی مذهب رفته و آنها را سرکوب نمود و غارت و کشتار فراوانی در آن خطه انجام داد و پس از آن چهره واقعی خود را نشان داده و به توصیه و دسیسه‌های عده‌ای روحانی مرتجع دست به تخریب مساجد و مقبره بزرگان — اهل تسنن ایران پرداخت و این عمل کثیف خود را در — کشتار ۴۰ هزار تن از مردم سنی مذهب تبریز به اوج خود رساند. و این عمل او در تبریز و در تربت جام و فارس باعث خشم دولت عثمانی شده و جهت تنبیه در چالدران او را به شدت شکست دادند و شاه اسماعیل از صحنه جنگ خود را نجات داده و با از دست دادن مقداری از آذربایجان و کردستان

و عراق عرب به تبریز و قزوین عقب نشست و دیری نگذشت که ترکمن ها و کردان و بعضی ترکهای سنی مذهب از اطراف او پراکنده شدند و ترکمن ها به خانات مرکزی آسیا رفته و با اتحاد ازبکان جهت انتقام جوئی از شاه اسماعیل خراسان و مازندران را مورد غارت و چپاول قرار دادند . کشورهای مسیحی اروپا که در همان دوران با مسلمانان عثمانی و عرب اهل سنت بر سر اندولس جنگ های صلیبی براه انداخته بودند از این موقعیت جهت ضعف سنی ها استفاده کرده و با دولت شاه اسماعیل رابطه برقرار کردند و با فرستادن سلاحهای جدید و توپ او را یاری نمودند . و این امر باعث گردید که شاه اسماعیل ترکمنها و ازبکان را در منطقه تربت جام شکست داده متواری نماید تنها مردم ترکمن صحرا بودند که با تمام شکست ها و سرکوب شدن ها از شاه اسماعیل و اتباع ایران در خراسان و مازنداران دست برنداشتند که ناچار شاه اسماعیل ایل قاجار را که خود از ترکمنان شیعه مغولی بودند به حدود استرآباد فرستاده و با وساطت آنها با ترکمن ها مدارا نموده و زمینهای را به ترکمنها بخشید که دست از جنگ بر دارند و بدین ترتیب تا دوران ظهور شاه عباس اول به ترکمنها توجهی نمیگشت ولی شاه عباس این معاهده را بهم زده به جنگ عبیدالله خان و شیبک خان ازبک که چند شهر خراسان را غارت کرده بودند رفت و ترکمنها نیز مجدداً دست به شورش برداشتند که شاه عباس مجبور شد با سران ترکمن قرار دادی بسته و علامت مرزی مشخص بین ترکمن و مردم فارس قرار دهد که به جریا (یاب) موسوم میباشد و آن نهری بسیار بزرگ و پرآب بود که بدستور شاه عباس حفر گردید که از یک طرف به کوههای البرز و از سوی دیگر به دریای خزر متصل میگشت . در همین دوران شاه عباس عده ای از افراد

شیعی کردستان را به قوچان و بجنورد فرستاد و عده ای از ترکمنان مغولی را نیز به دره گز و حدود گرگان گسیل داشت که به ترکهای گریلی و افشارها معروف گردیدند. البته افشارها در جنوب بافت و کرمان و خوزستان و آذربایجان نیز پراکنده شده اند و هدف از این تبعید این بود که هم از قدرت آن قبایل در منطقه داخلی ایران کاسته شود و هم از حمله ترکمانان تکه و يموت و اوزیک جلوگیری گردد.

از طرفی چون دولت عثمانی از قدرت جدید در ایران یعنی صفویان شیعه مذهب به وحشت افتاده بود و مرزهای خود را در خطر حمله نیروهای صفوی میدید و مذهب و دینار بهانه قرار داده و بعنوان طرفداری اسلام و مخصوصاً "طرفداری سنی ها که در ایران در ذلت و بردگی بسر میبردند و بزور سر نیزه مذهب سنت را رها کرده و جهت زنده ماندن مذهب شیعه را می پذیرفتند" عده ای را به ترکستان و خانات آسیای مرکزی فرستاد و از برادران هم مذهب و هم خون ترکمن و اوزیک استعداد خواسته و به آنها تفهیم نمود که اگر بجنگ ایرانیان نروند ممکن است خدا و رسول او از مردم سنی ترکستان بخاطر طرفداری نکردن از سنی های داخل ایران ناخشنود گردد و این امر موجب شد که اوزیکان بفرماندهی عیدالله خان با ترکمن ها قرار بستند که هرکدام جداگانه به ایران حمله نمایند و اوزیکان تا حدود مشهد و نیشابور پیش آمدند و ترکمن ها نیز شهرهای استرآباد و حتی حاکم نشین ساری را به آتش کشیده و کشتارهای وحشتناکی کردند که نتیجه آن کشتار ۳۰ هزار ایرانی در ناحیه خراسان و مازندران بود بطوریکه مازندران و خراسان به کوهها و دره ها متواری گردیدند شاه عباس اجباراً "لشکری به فرماندهی خود به خراسان آورده و ترکمنها و اوزیک ها را سرکوب و به آن سوی مرز عقب راند و لسی

همین برنامه بعد از مدتی بفرماندهی شیبک خان و تکه ها و
یموت ها باز هم تکرار گردید . ولی مجدداً پس از سرکوبی این
گروه خدای نظرخان و دیگران برخاستند بطوریکه در صفحات
قبل ذکر شد شاه عباس مجبور شد مرزی بین ترکمنها و اهالی
مازندران تعیین نماید .

شاهان صفوی بعد از شاه عباس هم هر چند وقت لشکری
جهت سرکوبی ترکمن و اوزبک میفرستادند ولی نتیجه ای جز
کشتارهای انتقام جویانه بعدی از طرف ترکمن و اوزبک حاصل
نمی گردید .

عصر صفویان عصر فتودال های بزرگ و زمین داران ثروتمند
دولتی بود هر خان و حاکمی رعیت و بردگانی را که در جنگها
اسیر شده بودند و یا از خلقهای اقلیت نژادی و مذهبی تشکیل
می شدند ظالمانه بکار می کشیدند و این خود یکی از عوامل ایجا
د نفرت عمومی از دولت بود که موجب خشم و نفرت روستائیان
و خلقهای اقلیت دریند کشیده گردید و همانطوریکه در تاریخ
نوشته شده است عاقبت نیز توسط خلق افغانی سقوط کردند .

ره آورد های صفویه برای ترکمنان

صفویه که خود به کمک ایلات ترکمن و ترک و کرد بقدرت
رسیده بودند با کشتارهای ناجوانمردانه مردم سنی مذهب
ایران بخصوص مردم ترکمن صحرا و اوزبک و ترکمنستان و بالاخر
با ایجاد مرز و حفر سرحدی بنام جریاکیله بین ترکمن و
سایر برادران فارس و ترک ایران فاصله افکندند و اربساط
ایران را با سایر کشورهای مسلمان قطع نمودند و با این عمل
ایران را نه فقط از کلیه علوم و فنون مختلفه سایر کشورهای
اسلامی دور کردند و کشور را در مسیر رکود فکری و عقب افتادگی

کامل قرار دادند . بلکه با برآه انداختن جنگ خانگی شیعه و سنی بزرگترین خیانت تاریخ را به جهان اسلام نمودند که نتیجه آن از دست رفتن اندولس برای مسلمین جهان بوده است . صفویه اولین و شاید تنها رژیمی بودند که به بهانه دین و مذهب آتش جنگ شیعه و سنی را دامن زدند باعث عدم پیشرفت مذهب شیعه در سایر کشورهای اسلامی گردیدند . و ترکمن ها که دائما " برای بدست آوردن حقوق حقه خود جهت دفاع از ملیت و قومیت و مذهبشان در مبارزه بودند هیچ وقت به صفویه سر تعظیم فرود نیاوردند . بلکه همیشه نیز خار چشم آنان گشته اند .

بعقیده من مؤلف اگر آن دوران شاهان صفویه بجای جنگ شیعه و سنی ، بجای مالیات های سنگین جهت آماده کردن قشون و جنگ با عثمانی ، بجای آتش زدن مساجد سنی ها و نابود کردن زیارتگاه و مقبره بزرگان سنی مذهب بنا بر توصیه روحانی نمایان نا آگاه از اسلام مرتکب شده بودند . اگر نمایندگان سنی مردمی در بین ایلات و عشایر میفرستادند و به گرفتاریها و بدبختیهای آنان و ظلم فئودال ها و مالکین و سرداران به روستائیان رسیدگی و توجه میکردند کشور ایران میتوانست امروزه در ردیف همان کشورهای بزرگ اروپایی که در آن زمان در مرحله بعد از انقلاب فکری اروپا بودند قرار بگیرد .

فصل چهارم عصر نادرشاه تا قاجار

بازماندگان رژیم صفوی بعد از شاه عباس بر اثر بی اطلاعی از زمامداری و امور لشکری و کشوری از اداره امور مملکت غافل ماندند و چنان در امر فساد و شراب و تنیاک و زنان زیبا و تجملات غرق شدند که ظلمها و ستمگری های حکام و شهر — داران ایالات مختلف و بطور کلی وسیع مردم ستم دیده را فراموش کردند . و این امر موجب شورش و نا رضایتی هایی در میان طوایف مختلف گردید بطوریکه در تاریخ نقل شده است بزرگترین این شورشها آشوب و فتنه افغانها میباشد .

مردم افغانستان فعلی که در آن زمان جزئی از ایالت بزرگ خراسان محسوب میشد جزو ستم دیده ترین خلقهای آن — دوران در ایران بودند . چرا که این مردم تابع مذهب سنت و جماعت شاه بود بزرگترین جنایت ها از طرف حکام و سربازان شیعی صفویان در منطقه خود بودند و این حکام از هیچ گونه آزار و اذیت و توهین به اعتقادات دینی مردم افغان کوتاهی نمی کردند . بالاخره در عصر شاه سلطان حسین پادشاه نالایق و خرفانی صفوی جور بحدی رسید که تحمل آن غیر ممکن بود بهمین جهت عده ای از علمای اهل سنت بحرستا — ن رفته و در مدینه از دانشمندان سنی نامه و اجازه های دریافتند در آن قید شده بود که هر مسلمان سنی مذهبی از حاکم شیعه ظلم دیده و این ظلم بحدی برسد که غیر قابل تحمل باشد می تواند بر ضد ظالم قیام کرده و ریشه ظلم را نابود کند این

گروه نامه فوق الذکر را به طور پنهان از طریق ایران به افغانستان —
 — ن برده و با اتحاد چند قبیله از جمله دو قبیله بزرگ ابد —
 الیها و غلجایی ها بر علیه حکام شیعه مذهب ن رخا افغانستان
 قیام کردند و پس از پیروزی شهرهای مشهد و کرمان و ری و —
 بالاخره پایتخت صفویه یعنی اصفهان را نیز تصرف کرده غارت
 نمودند این امر باعث شد که دوباره طوایف مختلف و خلقها
 — ی تحت ستم هر کدام در گوشه ای از این مملکت دارای —
 قدرت و اختیاراتی گردیدند و ملوک الدوایقی و جد دا" در این
 سرزمین رنج کشیده برقرار گردید . و این زمان مقارن با زمانی
 بود که با ضعیف شدن ازبکان و کوچ کردن آنها از اطراف
 مرو و خیوه به ازبکستان ترکمنهای مختلف جای آنها را در مرو
 و سرخس و آخال و چهارجوی تصاحب نمایند و جهت دفاع
 از سنت قبیله ای و حقوق ترکمن ها در مقابل صفویان و یا هر
 نیروی دیگری متحد شوند . و خلقهای تکه و گوگلان و یموت در
 ترکمن صحرا نیز از مرز خود یعنی رود گرگان گذشته و تاحدود
 نیزارها و تا نزدیک جنگلهای انبوه قره سو و شاه تپه پیش
 روند و در پشت مرز تعیین شده توسط شاه عباس یلخی های
 خود را بچرا مشغول دارند .

(۱)
 حمله افغانها باعث شد که محل ترکمنها و قاجارها که از
 ایلات مقتدر و نیرومند ایران بودند پناه گاه و مخفی گاه سران و
 بزرگان و شاهزادگان صفوی باشد و افغانها که بعلمت سنت
 دینی و همسایگی ترکمنها از خصوصیات ترکمانان بخوبی اطلاع
 داشتند که این ملت هیچ وقت مهمان را تحویل آنها نخواهند
 داد مگر اینکه تمام آنها نابود گردند . لذا جهت جلوگیری از
 برخورد با ترکمن ها هیچ گونه قدرت اعتراضی نداشتند .

(۱) — یلخی (یلقی) اسب ماده و کره اسب ها

و این فرار و پناهنده شدن ایرانیان به ترکمن ها و قبایل قاجار در استرآباد باعث شد که این دو ایل بزرگ و جنگ - جو که همدیگر را قبایل برادر می دانستند متحد و متفق شوند و بر علیه افغانه برخیزند و در خراسان نیز ترکمن زاده ای از ایل افشار - یا اورشار که اصلاً از قبیله قرخلو و از ترکمانان مغولی پر قدرت آن زمان بودند بنام ندر قلی فرزند امام قلی پوستین دوز که بعد ها به نادرشاه معروف گردید برخاسته و با کمک کردها و ایل جلایر و اورشارها و ترکمنهای گوگلان و میوت و ساروق نخست افغانه را دفع و سرکوب نموده و سپس از آنزیکان و قبایل یاغی ترکمن اطراف آخال و تکه های خیه را سرکوب و - امنیت بخشیده و پس از آن عثمانیها و روسها را شکسته و ایران را یک پارچه کردند و حتی پا را فراتر نهاده بکمک مردان غیور ترکمن و قاجار و ترک خود هندوستان را نیز تسخیر نمود با - عثمانیها نیز قرارداد صلح بست و بنایثون ایران در دنیا مشهور گردید *

دوران نادر از یک سر عصر بدبختی و بیچارگی و نابودی - احشام و جوانان ترکمن بود و از سوزی دوران عظمت و اقتدار و خدمت واقعی آنها به ایران در نابودی دشمنان داخلی و - خارجی توسط سربازان رشید ترکمن بوده است زیرا مالیات ها - ی سنگین و در خدمت گرفتن جوانان ترکمن ۱۵ سال به بالا و استفاده از اسب های باد پای ترکمن در اردوی نادر و همچنین استفاده از شترهای باربر ترکمن در جنگهای داخلی و خارجی باعث فقر اجتماعی و اقتصادی مردم این نواحی گردید و از سوزی محبت نادرشاه به ترکمن ها استفاده از سردارها و با تیرها و آلامانچی های ترکمن در لشکر باعث زنده شدن غرور ملی ترکمن ها گردیده بود و از سوزی دیگر نادر مردی نبود که از نظر مذهب و تعصب ترکمن ها را بچرم سنی بودن تحقیر نماید

زیرا میدانست که ^۲مردم ایران بخصوص اکثر سپاهیان ونیرو — های جنگجوی او^۳ را سنی ها تشکیل می دادند لذا نادر مذ — هب سنی را برسمیت شناخته و مذهب شیعه را هم بعنوان شعبه پنجم دین اسلام شناخت و از نفوذ روحانیون متعصب سنی و شیعه در امور کشوری کاسته و همیشه اعمال آنها را در عصر صفویه یاد آور می شد .

نادر همانطوری که با ترکمانان مهربان بود و از یخشیدن تیول و زمینهای زراعتی و چراگاه نسبت به این قوم دست و دلبازی زیادی نشان می داد باز هم می دانست که بالاخره — همین ترکمن ها روزی دوباره با مردم شیعه اختلاف خواهند داشت لذا در مناطق مهم شیعه نشین مازندران در شهر حاکم نشین ساری و در اطراف اشرف در محل قره طاقان یا قره تپه امروز تعدادی از خانواده های افغانی سنی را اسکان داد که مانع حمله ترکمن ها به مناطق شیعه نشین نامبرده گردند . و هم چنین عده ای از افغانها را نیز به همین منظور در خراسان ساکن نمود . این عمل نادر را تاریخ نویسان بسیار عمل مدبر — انه و سیاستمداران می دانند زیرا در بحث های آینده خواهیم دید که همین افغانهای قره تپه چگونه در امر داد و ستد و حل اختلاف مردم ترکمن و مازندرانی ها موثر بوده اند . لازم به یاد آوری میباشد که هنوز هم رابطه برادری و دوستی بین مردم سنی قره تپه در اطراف بهشهر و ترکمنها وجود دارد همانطوریکه اشاره شد دوران نادر شاه زمان ایده آل ترکمنان بود . نادر خود ترکمن نسب و متمایل به مذهب سنت و جماعت بود چنانچه در تاریخ نیز مشاهده می شود با سیاستی بسیار عالی توانست به جنگهای صد ساله عثمانی و اوزبک و ترکمنها با ایرانیان پایان دهد . از شاعران بزرگ و آخر دوران نادر شاه که عارف بزرگ ترکمن میباشد و هم اکنون در ترکمنستان روسیه

و ترکمن صحرای ایران و ترکمنهای افغانستان شعرهای او را می‌خوانند و از او تجلیل می‌کنند. دردی شاعر - و مختومقلی فراغی - و دولت محمد آزادی پدر مختومقلی می‌باشد که همگی از ایل گوگلان ها برخاسته اند و با اینکه شعرای نامبرده ایوانی هستند در افغانستان و ترکمنستان از آنها بیشتر تجلیل می‌شود، تا ایران متأسفانه در رژیم طاغوتی محمد رضا پهلوی حتی آرامگاه محترمانه ای نیز بر مقبره آنها بنا نکرده اند و حتی از فعالیت های آقای مراد دردی قاضی که در پی احیای ادبیات ترکمن فعالیت می‌کردند جلوگیری نمودند *

پس از ترور ناجوانمردانه نادر بتوسط روحانیون و سرپا - زان قوچانی و بجنوردی و ایل افشار در هنگام خواب يك بار دیگر ترکمن ها خود را در خطر دیدند و با کمک احمد درانی بنیانگذار پادشاهی در افغانستان بطوری که در کتاب مطلع الشمس چاپ تهران آمده است قبایل یموت و گوگلان و تکه ها و حملات وسیعی را به مناطق مازندران و خراسان نمودند که نتیجه آن تصرف مرو توسط تکه ها و سرخس توسط سالورها و به آتش کشیده شدن شهر حاکم نشین ساری توسط ترکمن ها - ی یموت بوده است ولی اتحادی که احمد درانی پیشنهاد کرده بود صورت نپذیرفت و ترکمن ها بعزت اختلاف سران و پاش اولی ها به جهت نداشتن يك رهبر واقعی نتوانستند چون افغانها حکومت مستقل و بزرگ ترکمن را تشکیل دهند *

مروری بر گذشته ترکمن ها تا عصر قاجار

همان طوریکه در صفحات گذشته اشاره شد ترکمانان پس از شکست سلطان مسعود غزنوی بسوی ایران سرازیر شدند . و در عهد حکومت فرزندان سلجوقی بیک که خون ترکمن بوده اند این بسط و گسترش در شمال ایران مخصوصاً در اطراف شهر - های قدیم جرجان و خیوق و جند و نوز و بخارا و مرو و - سرخس و هم چنین وادی اترک و گرگان رود و شهرهایی چون (شهرک نو) ادامه پیدا کرد . سلجوقیان که با تکیه باین نیرو توانستند بزرگترین امپراطوری را که تا آن دوران بی سابقه بوده بوجود آورند بطوریکه حتی بعد از گذشت سالها از در - ان عظمت ساسانیان روم شرقی را شکست داده و قسطنطنیه را نیز تصرف نمایند و خود را همیشه مدیون این قوم دانستند و از این روایات و عشایر ترکمن که اغلب سرکردگان آنها بزرگان دربار سلجوقیان را تشکیل می دادند توانستند بدون هیچ گونه مخالفت و مقاومتی سراسر دشت قرا قوم را در نور دیده و از جیحون تا جنوب شرق سواحل خزر و جنوب رود گرگان را اشغال کنند . از این دوران به بعد این ترکمنها در نواحی اترک و گرگان رود و سواحل خزر و شمال - خراسان و افغانستان تا مرکز قباچاق و مرکز ترکمن ها یعنی اوزبای و قراقوم دارای چراگاه و یورت شدند . رئیس یا خان در هر قبیله حکم امیر و حاکم را داشته و طبق آداب و رسوم طایفه ای خود این خانها دارای قدرت و اختیارات وسیع و نامحدود بودند . البته این اختیارات بوسیله شورائی مرکب

از ریش سفیدان و علمای دینی و بزرگان قبیله بنام (آق سقال-ها) و (یاش اولی ها) محدود می‌گشت. و نفرات جنگجو-ی این قبایل که در واقع پاسداران ترکمن صحرا بودند بنامهای باتیرها (دلاوران) و زیر نظر افرادی به نام سردارها اداره می‌شدند که وظیفه آنها یاری دادن به-خان و کمک به پادشاه در جنگها و حراست از مرزهای کشور و جهاد با کفار بوده است البته بعضی از سیاحان خارجی در مورد آمدن ترکمن ها به حدود ترکمن صحرا و ترکستان فعلی را بعد از حمله مغول و یا دوره سلاطین سیمجور و غیره دانسته-اند. که به هیچ وجه نمی‌تواند مورد قبول باشد زیرا تا کنون آماری از مناطق ترکمن نشین ایران و روس با تمام مطالعات و حفاری ها دیده نشده است که دلیل بر اقامت ایرانیان در حدود اترک و یا در اطراف گنبد کاووس امروز در قرن های ۵ و ۶ و ۷ هجری باشد و این خود نمایان گر این است که ترکمن ها در دوره سلجوقیان به این مناطق آمد-ه اند و نظریه سفرنامه نویس های اروپائی اساس علمی و تاریخی دقیقی نداشته و آنچه را که از دیگران شنید-ه اند در نوشته های خود آورده اند.

همانطوریکه اشاره شد بدستور سلاطین سلجوقی رفته رفته ترکمانان صاحب زمین و ملک شدند. و بسیار مورد توجه آنها بوده و جزو طبقات نجیب و بزرگ ایران محسوب-می‌شدند تا آنجا که در اسناد دیوان سنجر آمده است شحنة ای برای آنها در نظر گرفته شده است و همچنین در سند دیگری که از طرف دیوان سنجر درباره انتصاب ایناج بلکا الوغ جاندار بیگ را بعنوان نماینده پادشاه و شحنة ترکمن های گرگان و ترکمن صحرا صادر شده و در آن سند از ترکمن های این سامان بعنوان شایسته ترین طبقات یاد

گردیده و احترامات زیادی به این مردم قائل گشته اند . و در این فرمان به شهنه نامبرده دستور داده شده است که با مردم ترکمن به نیکی و مهربانی رفتار کنند و بر آنها مالیات جدید وضع ننمایند و نیز مانع شود که آنها بحقوق یکدیگر تجاوز کنند و هم چنین بخوانین ترکمن صحرا نیز دستور داده شده است که هر تقاضایی از حکومت دارند به اطلاع شهنه برسانند . این احترام از طرف شاهان ایران به مردم ترکمن و ترکمن صحرا تا دوره مغول ادامه داشت و این دوران ها را تقریباً "می توان دوران آسایش و آرامش ترکمن ها دانست . ولی بعد از حمله مغول در کتابهای مختلف نام ترکمن را در کنار جنگ و مبارزه و خشم و انتقام و کشتار می بینیم چرا که این مردم پس از حمله مغول نخواستند و نمی خواستند زیر بار ظلم و جور و بردگی باشند . و بدین جهت هر حمله ای از طرف هر پادشاه و دولتی صورت می گرفت ترکمنها صد چندان جواب می گفتند و به هیچ وجه چون سایر خلق ها — ی دیگر در ایران باج و خراج مجانی را به دولت های — ظالم نمی پرداختند بلکه با ایجاد رعب و وحشت در منطقه باعث درد سر وضع آنها نیز می شدند . در نیمه دوم — قرن هیجدهم قاجارها که خود یکی از قبایل ترکمن بودند بکمک سایر ترکمن های صحرا در ایران بسلطنت رسیدند و بعلت رابطه قومی و فامیلی که با ترکمن صحرا داشتند و اینکه استرآباد و مبارک آباد مقر محمد حسن خان قاجار بوده است به این ناحیه توجه بیشتری می نمودند . قاجارها با یکی از رؤسای ایل ترکمن موسوم به حسن بیگ همدست شدند و در بین سایر ترکمنها نیز نفوذ پیدا کردند و هم چنین گفته می شود که مادر شاه اسماعیل صفوی از ایل قاجار بوده و به همین جهت افراد این طایفه در دربار پادشاهان صفویه احترام زیادی

داشتند و بعدها که به گرگان آمدند شاهان صفویه همواره از قاجارها برای مقاصد سیاسی خود در بین ترکمنها — استفاده میکردند . بعد از صفویه قاجارها مورد خصوصیت نادر قرار گرفتند ولی وجود ترکمن ها در بین سپاهیان — قاجار باعث شد که نادر با جبار دست دوستی به قاجارها داده و بکمک آنها و ترکمن ها مشهد را تصرف و در همان — شهر در بقعه خواجه ربیع فتح علیخان قاجار را ترور کردند و چون در این ترور خود نادر دست داشت لذا فرزند خان قاجار شبانه به ایل ایل داز از قبایل ترکمن آتابای فرار نماید محمد حسن خان پس از بنا هنده شدن به ترکمن ها نیروئی از یموت ها فراهم آورده بقصد خونخواهی پدر به استرآباد تاخت و قوای نادر را در ابتدا بسختی شکست داده ولی مجددا در جنگ بعدی که پیش آمد شکست خورده و بعلت ضعف قوای یموت در مقابل سپاه ترکمن نادر که از ایل مقتدر تکه و سالورها و کردها تشکیل شد، بود شکست خورده و محمد حسن خان به میان ایل ترکمن های یموت اترک رفت و بعد از شش ماه مجددا " بنزد بگنج خان رئیس ایل داز آمده و در آنجا — ماندگار شد . تا اینکه در سال ۱۱۶۰ هجری با تسخیر استر — آباد مقدمه سلطنت فرزندان خود را پی ریزی نمود و مبارک آباد یا آق قلعه را نیز پایتخت حکومت خود قرار — داد . و پس از او نیز فرزندش آقا محمد خان قاجار معروف به اخته خان بکمک ترکمن های یموت و گوگلان نفوذ خود را تا مرزهای جنوبی و غربی و شرقی ایران توسعه داده و گرجستان و ارمنستان را نیز بکمک ایل ترکمن درهم کوبیده و — کلیه قبایل گردنکش و حکومتهای محلی را در گوشه و کنار ایوان سرکوبی و نابود کرده و ترکمنها نیز تا آخرین لحظات پیروزی

با شجاعت و از جان گذشتگی تمام در فتح شهرهای ایران در-
 کنار او ماندند و از هیچ گونه کمک و همکاری دریغ نداشتند
 او و بازماندگانش نیز در ابتدا در مقابل خدماتی که از ترکمن‌ها
 دریافت داشته بودند مبارک آباد و چند دهات دیگر اطراف -
 آق قلعه را بعنوان تیول به خوانین ترکمان بخشیده و به علت
 نزدیکی تهران به ترکمن - را آن محل را پایتخت کشور
 قرار دادند . ولی متأسفانه آغا محمد خان پس از چند
 سال باین مردم خیانت ورزیده و خواسته های برحق این
 ملت را بجای برآوردن با سرکوبی و لشگرکشی به بهترین
 دوستانش یعنی یموت‌ها که بزرگترین عامل پیروزی او بودند
 جبران نمود . و این مردم را دوباره با دولت بیگانه و دشمن
 خونی کرد که در مباحث آینده اثرات آنرا خواهیم دید .

هدف استعمارگران در ترکمن صحرا و ترکستان

از سال ۱۶۰۰ میلادی به بعد آسیای میانه مخصوصاً "ترکمنستان و اوزبکستان و ترکمن صحرا" کانون مداخلات قدرت‌های جدیدی گردیدند که بنحوی می‌خواستند مقاصد سیاسی خود را تعقیب کنند.

روس‌ها می‌خواستند دریای خزر را به یک دریای داخلی تبدیل کنند و از طریق ترکمنستان با افغانستان و هندوستان دست یابند و به همین جهت مرتباً "در امور داخلی گران و دشت و سایر شهرهای شمالی ایران بطور مستقیم یا غیر مستقیم مداخله می‌کردند" و دولت عثمانی نیز بعزت نفوذی که از نظر مذهبی در بین قبایل ترکمن و اوزبک و خوانین خیه داشتند می‌خواستند از نفوذ روس‌ها در آن منطقه جلوگیری کرده و در ضمن رقابت با روسیه و انگلیسی‌ها از طریق مذهب دشمنی بین ترکمانان و ایرانیان را تشدید می‌کردند و بالاخره انگلیسی‌ها نیز می‌خواستند از طرفی خطر روس‌ها و نفوذ عثمانی‌ها را در ترکستان دفع کنند و از سویی مایل نبودند هندوستان را با آن همه ثروت‌های طبیعی که جزو مستعمراتشان بود از دست دهند.

این سیاست‌ها هر یک به نحوی متوجه مناطق گرگان و ترکمنستان و سیحون و افغانستان بود و نتیجه این مسابقات سیاسی در مناطق فوق موجب تحریکات و آشوب‌ها و قتل و یاغیگری‌های فراوانی گشت که هم ترکمن‌ها و هم سایر مردم این منطقه را بر روز سیاه نشانیده و از تمام مظاهر تمدن در آن زمانی که

اروپائیان بسرعت در پیشرفت بودند دور نگاه داشتند .
 بدین ترتیب روزی نبود که مردم این ناحیه سرزمین و —
 کشتزارهای خود را بزیر سم سواران شاهان ایران ویاخوا —
 نین خیمه و بخارا و یا زیر چکمه سالدات های روسی
 و میدانگاه نبرد ترکمن ها و ایرانی ها و یا با سایرین
 نبینند .

در این دوره خواهیم دید که مثلاً " ترکمن ها زوار —
 خراسان را غارت کرده اند و یا شهرها و دهاتی را به
 آتش کشیده اند ولی این واقعیت را هم نباید فراموش
 کرد تفنگی که در دست ترکمن بوده و با آن باصطلاح به
 راهزنی می پرداخته یا از طریق بادکوبه رود ولگا میرسید
 و یا توسط گروهی بنام دراویش عثمانی که هر سال به
 ترکمنستان می آمدند در اختیارشان قرار می گرفت و دولتها ی
 قاجاریه و قبل از آنها هم به جای اینکه در مورد خواسته
 های برحق این مردم استعداد تحقیق و بررسی نمایند باقلدری
 و لشگرکشی های چند سال به چند ساله خود به ترکمن صحرا
 این ملت استعداد را جهت هرکاری بر علیه دولت آماده تر —
 می کردند .

من تعجب می کنم که چرا دولت مرکزی در آن زمان از خود
 نمی پرسیدند که این سلاحها چگونه و چطور بدست این
 صحرا نشینان افتاده است ؟ یا چرا دیاریان قاجاریه فکر
 این نبودند که علت جنگ ترکمن و سرکشی های او از فرمان
 دولت را بدانند . بنظر من در آن زمان اگر سیاست مدار
 برجسته ای می بود بخوبی میتوانست تمام سلاحها را از —
 ترکمن ها تحویل گرفته و بدردهای آنها رسیدگی کرده و فاصله
 ولایت و ترکمن را کمتر کند و نماینده ای از ترکمن ها را به
 تهران آورده و ماموری امین از دیار به صحرا فرستاده

و تمام مشکلات را حل و فصل نماید و با این عمل از جدا شدن ترکمنستان و آذربایجان و بسیاری از نقاط دیگر کشور جلوگیری کند * ولی متأسفانه حکام نالایق ربی سیاست استرآباد و بجنورد و مشهد با دسیسه های بیگانگان به ماجرای اختلاف ایرانی ها و ترکمن ها دامن زده و بجای فهمیدن و دانستن علت ناراضائی و شورش ها هر چند وقت لشگری آراسته و عده ای از چوپانان و زنان و فرزندان ترکمن را در صحرا اسیر کرده و بنام پیروز شدن و سرکوب نمودن ترکمن ها هم از شاهان نالایق حایزه می گرفتند و هم آنان یعنی ترکمن ها را در میادین شهرهای قوچان و بجنورد و استرآباد و حتی تهران به دار می آویختند * و بدین ترتیب آتش کینه این قوم غیور را شعله ور تر کرده و کارد سیاست استعمارگران را تیز تر می کردند *

ترکمن ها نیز همان بلاها را صد چندان بر سر روستا - نشینان و حتی زوار فارسی زبان می آوردند و مردم شمال ایران را مجبور می کردند که از طریق جنوب ایران و حاشیه کوپرو یا از راه ترکستان روس با اسکورت قشون تزار به زیارت مشهد مقدس بروند و مردم اتک و حاشه جنگل مازندران را همیشه در تاریکی شاخ و برگ درختان جنگل زندانی و در اضطراب و وحشت نگاه داشته بودند *

عامل دیگری که از دوره صفویه به بعد در این منطقه و بطور کلی در شمال ایران منشأ نا امنی و فجایع گردید بود اختلاف شیعه و سنی بود که محرکین و مسببین اصلی آن سیاستهای خارجی و اعمال آن آخوند ها و روحانیون متظاهر بدیانت اسلام که متأسفانه با فلسفه دین و اصول مترقی مذاهب سنی و شیعه هیچ گونه آشنائی نداشتند * - این گروهها در دو دسته یکی بنام شیعی و گروه دیگر بنام سنی

هر کدام یکی در دارالمومنین استرآباد و بجنورد و در مساجد و منابر و تکیه ها از عمری های سنی ترکمن چهره های به مراتب از یزید بن معاویه و سمر زشت تر ساخته بودند و گروه دیگر آنهایی بودند که در صحرا در آلاچیق ها و مساجد ترکمن صحرا شیعیان را بطوری کافر و بی ایمان و رافضی جلو می دادند که گویی از کفار جاهلیت نیز گریه تر بودند. نتیجه این وعظ ها و خطابه که از طرف راهنمایان دین — برای عده ای افراد ساده و بیسواد صورت میگرفت چه نتایجی میتوانست داشته باشد ؟ هر وقت دهاتیان اتک و جنگل نشینان استرآباد ترکمنی را میافتند سر او را می بریدند و پوست سرش را می کردند و تحت عنوان گدوی ترکمن در کوچه و بازارهای استرآباد می گردانیدند و شادی می نمودند که یک سنی عمری را کشته اند و بصواب آخرت دست یافته اند. و ترکمن ها نیز هر وقت فرصتی می یافتند به عنوان آلمان به دهات و شهرها می ریختند و غارت و آدم کشی می کردند و زنان و دختران فارس را به اسارت برده و در بازارهای برده فروشی خیوه بعنوان کنیز بفروش میرسانیدند. اثر اقتصادی که از این برخوردها و تضادهای حاصل می شد چیزی جز فقر و بدبختی و آوارگی برای هر دو طرف نبود. استاد جمال زاده در کتاب جنگ ترکمن درجایی تحت عنوان ما ایرانیان و ترکمن ها می نویسد :

اقوام ترکمن از زمانهای قدیم با ما سروکار داشته اند گاهی مظلوم و زمانی مقصر و متعدی بوده اند آیا تعدی و تاخت و تازهای آنها بیشتر معلول رفتار ما با آنها نبوده است و این خود مسئله ایست که در تاریخ ایران باید جوابی برای آن بدست آورد. و اما در مورد دخالت استعمارگران بایست گفت که مثلاً "مستردونوان که یکی از شخصیت های

سیاسی انگلیسی است بعنوان خبرنگار دیلی نیوز و کلنل استوارت پنام خواجه ابراهیم و لرد کرزن بعنوان خبرنگار تایمز و ژنرال سرپرسی سایکس و صدها نفر دیگر در ترکمن صحرا و در ریگزارهای ترکمنستان در میان این صحرانشینان آن روزگار چکار می‌کردند و چه هدفی داشتند ؟

مسلم است که هر يك بطریقی سرحدات شمال ایران را در نور دیده و در میان ترکمن ها و افغانها و اوزبك ها جز جای پا باز کردن برای مقاصد هجوم سیاسی بریتانیا هدف دیگری نداشته اند . و یا مسیو تیکویچ روسی لیتوانی الاصل چرا و به چه منظوری برای فریب صحرا نشینان ترکمن و اوزبك به میان این اقوام می‌رود و با پخش اسلحه و پارچه های زیبا آنها را بر علیه ایرانیان و انگلیسی ها بشورش و یاغی گریز امید اردو خود مخفیانه نقشه ترکستان را تهیه کرده و در اختیار تزار می‌گذارد . این مداخلات که از طرف دو ابر قدرت آن دوران یعنی روس و انگلیس صورت می‌گرفت چه نتیجه ای جز بدبختی و فلاکت برای مردم این منطقه می‌توانست داشته باشد .

رأبینو در کتاب تاریخ مازندران و رویان راجع به نا امنی های داخلی در دشت ترکمن صحرا می‌نویسد :
در تالیف کوچکی که به قلم نصیر الکتاب در باب دشت گرگان متن نامه ذیل را خطاب از يك نفر مامور سابق دولت ایران در گنبد کاوس موسوم به احتشام الوزاره به حکومت مرکزی ایران دیده ام و در اینجا نقل می‌کنم :

شاید کسی حرف مرا باور نکند و این اظهاراتمم ممکن است درباره آنچه من در آینده خواهم گفت تولید تردید نماید ولی باز وظیفه ام این است که به دولت ایران اطلاع دهم که يموت و گوگلان اتباع وفادار به دولت وقت ایران هستند و

همیشه حاضرند در راه وطن خدمت نمایند و اگر آنها شهرت بدی پیدا کرده اند علتش این است که هیچ وقت نمایندگی در مرکز برای برطرف کردن سوء تفاهات نداشتند. حکام و مامورین دولتی برای نفع شخصی و ازدیاد شهرت خویش همواره چنین وانمود کرده اند که بعضی قبایل ترکمن نسبت به دولت علنا "رویه سرکشی دارند و دولت برای سرکوبی اشرار فوراً" دستورات فرستاده است و چه بسا طوایفی بی گناه را دیده ام که با نهایت بی رحمی مورد چپاول و غارت واقع شده اند و سران و ریش سفیدان بارها بمن گفته اند که از تبعه روس شدن نفرت دارند اما این حاکم استرآباد است که آنها را وادار به شورش می کند و بهمین سبب اینطور وانمود می کنند که قبیلۀ گوگلان سه سال از پرداخت باج سرپیچی کرده و از دستور دولت وقت سر باز زده است. ولی آنها غالباً به اینجانب گفته اند که به پرداخت مالیاتها حاضرند و قصد خلافی نسبت به دولت ایران ندارند. همین نصیر الکتاب در مورد ترکمن ها می نویسد که ترکمن ها از قسم خوردن و خدا را شاهد گرفتن به شدت وحشت دارند و حرمت و ستایش کلمه خدا در نزد ترکمن ها به حدی است که ترکمن حاضر است صد گوسفند بدهد اما بر سر مال دنیا به خدا قسم نخورد و از ایرانیان که همیشه قسم خدا را شاهد می گیرند به شدت متنفر هستند. البته ظالم مامورین دولت قاجار تنها شامل ترکمن ها نمی شد بلکه در مناطق قوچان و بجنورد نیز ظلم مامورین به حدی رسیده بود که جهت پرداخت پول مالیات به دولت مردم قوچان دختران نا بالغ خود را به بهای ۴۵ کیلو گندم به ترکمن های عشق آباد می فروختند و این مطلب در نامه ای که سید محمد طباطبائی به ناصرالدین شاه نوشته مرقوم گشته است. بطور کلی ظالم مامورین حاکم نمایندۀ نداشتن

ترکمن ها در تهران و دسیسه های مذهبی ، دخالت روس و انگلیس و بی لیاقتی شاهان قاجار از بزرگترین عوامل عقب افتادگی و خونریزی در ترکمن صحرا و ترکمنستان بود . است . که حاصل آن جدا شدن ترکمنستان از ایران و پیوستن آن به روسیه و بدبختی و عقب ماندگی ترکمن ها صحرا و مردم حاشیه جنگل مازندران در این دوران بود . است .

ترکمنستان
www.tabarestan.info

جنگهای دولت ایران با ترکمنها

همانطوریکه در مباحث گذشته اشاره شد ظلم مامورین و عدم اعتماد دولت به ترکمن ها و تبعیضاتی که نسبت به این مردم از طرف دولت ایران می گردید باعث شورش ترکمنان شده و مخالفت خود را با حملات پی در پی به مردم و سربازان دولتی و اسیر گرفتن و قتل عام و جنگ رو در رویی در مقابل قشون دولتی و ندادن مالیات نشان می دادند . دولتهای آن روز - ایران نیز بجای مطالعه علل شورشها با نیروهای مجهز و قوی به جنگ ترکمن ها رفته و غالباً " نیز یا شکست می خوردند و یا بدون نتیجه به مرکز عقب نشینی می نمودند . آقا محمدخان قاجار که در میان ترکمن ها معروف به اخته خان بود با تمام خدماتی که از طرف ترکمنها دیده و در واقع تاج و تخت ایران را ترکمنها برای او بدست آورده بودند بجای قدردانی چند سال پس از تسلط است رسیدن چهار سردار قاجار را با سپاهیان خونخوار و مجهز به جنگ ترکمنها فرستاد و پس از دو

ماه جنگ خونین که تلفات سنگینی به هر دو طرف وارد شد ترکمنها را درهم کوبیده و قتل عام نمود و کلیه آلاچیق ها را به آتش کشیده و در مقابل چهار دروازه استرآباد چهار مناره از کله های بریده ترکمانان درست کردند و مقد ار ۷۰ هزار راس گوسفند و ۲ هزار راس اسب را بعنوان غارت به تهران بردند و بسیاری از اموال ترکمنها را یا با خود بردند و یا به رود گرگان ریختند و مقدار باقیمانده را به آتش کشیدند چند سال بعد نیز محمد ولی میرزا فرزند فتحعلی شاه قاجار با یکصد هزار سوار به یموت و گوگلان حمله کرده و — بسیاری را کشته و عده ای را بسمت شمال اترك فراری داده است همچنین در سال ۱۸۳۲ عباس میرزا برای مطیع ساختن ایل سالور که از قبایل ترکمن بودند با قشون يك حد هزار نفری با توپخانه بسیار نیرومند به شهر سرخس که دست این ایل بود لشکر کشید * می گویند سرخس با اسم گود رزیکی از سرداران توران زمین نامیده شده است.

ایل سالور که یکی از ایلات مقتدر و جنگجوی ترکمن هستند در این شهر و همچنین در اطراف آنها تا بخارا و خیوه سکونت داشتند و همواره بین خان خیوه و امیر بخارا بر سر طبیعت این ایل منازعه و اختلاف سرحدی بوده است قبیله سالور خود را به لقب تولی خان یا تولی خان پسر چنگیز — خان منسوب می دانستند و یکی از قویترین قبایل جنگجوی — ترکمن و بعد از تکه و یموت ها بشمار میرفتند و زندگی آنها از طریق گله داری و پرورش اسب و کمی هم کشاورزی و داد و ستد بازرگانی و بیشتر از طریق فروختن اسیران ایرانی به مردم خیوه سپری می شد *

عباس میرزا سالورها را متهم به پخش اسلحه بین اتباع ایرانی یموت و گوگلان و تکه ها با دسیسه خان خیوه که غالباً "

مذاحمت اتباع صلح دوست ایران را فراهم می‌کرده و در عوض آن اسلحه‌ها اسرای ایرانی را از تکه‌ها و گوگلان و یموت‌ها قبول می‌کردند و به بردگی به اهالی خیره می‌فروختند نمود در این هنگام سه هزار ایرانی در اسارت ترکمنها بودند *

عباس میرزا در بهار سال ۱۸۳۲ در مقابل حصار سر - خس پدیدار شد و اخطار نمود که تسلیم شوند در جو - اب او آناخان رئیس سالورها به معیت جمعی از زنان و - فرزندان ترکمن‌هایی که در اسارت ایرانی‌ها بودند به اردوگاه عباس میرزا آمده و گفت که چون این اطفال و زنان مردان و پدرانشان در اسارت شما هستند پس بشرطی اسرای ولایتی را آزاد خواهیم کرد که شما هم ترکمن‌های - اسیر را آزاد کنید * ولی عباس میرزا معتقد بود که افراد مردم آزاد و حقیری مانند ترکمنها مستحق نیستند از قواعد جنگی که بین دولی متعده متداول است برخوردار شوند * و آنا - خان نیز پس از مذاکره بسرعت به قلعه برگشته و جریان را به روسای قبایل دیگر سالور گفت پس از چند ساعت از ای - مذاکره آتش توپخانه ایران بسوی شهر سرخس گشوده شد و در مقابل این اقدام ایرانیها ترکمنها نیز از سه هزار اسیر شیعه ایرانی استفاده نمودند و زن و مردان و کودکان ایرانی را طوری در مقابل گلوله‌های توپ قرار دادند که کلیه لطمات و صدمات متوجه ایشان می‌گردید و این تدبیر ترکمنها موثر واقع شد و ایرانیان دست از تیراندازی برداشته و به ترکمن‌ها التیما تم ۴۸ ساعته دادند ولی ترکمنان سالور آنرا قبول نکرده و تسلیم شدن به قزل باش را بی‌غیرتی دانستند * بدین جهت اطفال و زنان و پیرمردان را از شهر دور کردند و حدود هزار اسیر ایرانی را که اکثر آنها زنان جوان بودند به همراه آنان به صحرا فرستادند و خود خان با ۷ هزار ترکمن

از جان گذشته پس از قتل عام ۱۵۰۰ اسیر ایرانی با گفتن لا اله الا الله طبق رسوم ترکمنها دروازه ها را گشوده و دیوانه وار با اسبان خود به سیل سپاهیان منظم ایران تاختند پس از ساعتها جنگ و کشتار ترکمنها شکست خورده و آناخان کشته شد و بقیه نیز تمنای عفو نکردند و تا آخرین لحظه حیات کشتند و جنگیدند تا کشته شدند ۰ در این جنگ ۵ هزار سرباز و اسیر ایرانی و چهار هزار و هشتصد ترکمن کشته شدند و بقیه ترکمنها یا اسیر شدند و یا قتل گردیدند

آن چهارصد و پنجاه نفر ترکمنی که اسیر شده بودند توسط ایرانیان و خود شاهزاده بی رحم در حالی که دستها و پایشان بسته شده بودند قطعه قطعه شدند ۰ اگر چه این پیروزی بزرگ با اصطلاح تا مدتی ترکمنها را از حمله به خاک خراسان باز داشت ولی این مقدمه حملات شدیدتری بود که فقط عرض ۲۰ سال بعد ۵۰ هزار ایرانی را ترکمنها بعنوان اسیر به بخارا و خیوه بردند و دهها هزار نفر را بقتل رساندند ۰ حتی چندین قریه ایرانی را بخاطر انتقام سرخس به آتش کشیده و زنان و دختران دهات نامبرده را به اسارت گرفتند ۰ یغوتها نیز بخاطر کشتار بیرحمانه برادران سالور خود در سرخس منطقه وسیعی از استرآباد و همچنین مشهد سر (بابلسر) حتی گیلان را مورد حمله قرار دادند و فقط از ساری و بهشهر حدود هزار نفر را به اسارت بردند بطوری که در سال ۱۸۳۴ شاه لشگری به آن حدود فرستاد و بین ترکمنها و سپاه ایران زد و خورد شدیدی در گرفت و ترکمنها پیروز شدند و ۷ هزار تن را کشته و ۱۳ هزار نفر را هم به عنوان اسیر و برد به بازاربرد و فروشی خیوه و دشت قبیاق فرستادند ۰ ترکمنهای گوگلان نیز به تعصب آن کشتار در سرخس حملات وسیعی به اطراف قوچان و بجنورد کردند و با کشتارهای خود

دولت ایران را دچار وحشت نمودند بطوریکه خود محمد شاه در سال ۱۸۳۶ سپاه منظمی به جانب خراسان و به گرگان و ترکمن صحرا گسیل داشت در مرحله اول عملیاتی از جانب شاه بر علیه ترکمنها صورت می‌گرفت ولی نه تنها نتیجه بعدی آن - رضایتبخش نبود بلکه تقریباً با شکست روبه‌رو گردید. زیرا هر جایی را که امکان داشت ترکمن‌ها در آن سنگر گرفته‌باشند سر می‌زدند اثری از سواران قرمز پوش بوستین کلام صحرای - دیده نمی‌شد ولی ناگهان شبها حملات آنها آغاز می‌شد و با در حال استراحت در گرمای تابستان حملات ترکمن‌ها به سپاهیان خسته ایرانی صورت می‌گرفت و اموال آن بیچارگان را به سرقت برده و جسد های بیجان شان را بر جای می‌گذاشتند. شاه چندین هفته در حوالی استرآباد معطل بود. آذوقه کمیاب و گران شده بود و آذوقه‌ها و جیره‌ها و مهمات سربازان بدبخت را هم ترکمنها به سرقت می‌بردند.

ترکمنها مرتباً "مزاحم دستجات قشون ایران که بفواصل کمی از یکدیگر متمرکز شده بودند می‌شدند و رابطه آنها را با یکدیگر قطع می‌کردند و از سرشب تا طلوع آفتاب ایجاد رعب و وحشت در دل سپاهیان محمد شاه قاجار می‌نمودند. بطوریکه هیچ سربازی حتی بصورت یک دسته پنجاه نفری برای رساندن پیغام به شهر با روستاهای اطراف حاضر برفتن نمی‌شدند و شاه بالاچار پس از یک جنگ چند ماهه و فرساینده و خسته کننده پس از صد روز بدون هیچ نتیجه‌ای به تهران برگشتند البته تنها نتیجه‌ای که شاه قاجار از این جنگ بدست آورده بود پس از صد روز نبرد صحبت با سران قبایل یموت و گوگلان بود و از آنها تعهد گرفتند که دیگر جنگی بین ولایت و ترکمن پیش نیاید و ترکمنها نیز در ازای - معافیت از مالیات سیران جنگی ۱۸۳۴ را آزاد کردند.

اما همینکه شاه به تهران برگشت ترکمنها دوباره حملات خود را از سر گرفتند و چند دهکده را در اطراف استرآباد و بجنورد ویران نمودند. شاه از این عمل خشمگین شد و در صد دلشگر کشی به خیوه که بازار برده فروشی ترکمن بود برآمد و خان خیوه نیز تهدید کرد که تمام ترکستان بخصوص قبایل سالور و تکه و يموت و گوگلان را با نیروهای خود متحد کرده و نسل ایرانی ها را از ریشه خواهد انداخت ولی چون دولت انگلیسی که منافع خود را با از بین رفتن خان خیوه یا شاه ایران که تنها حریف روسیه در آسیا و شرق خزر بودند در خطر دید پیشنهاد کرد که هیئتی به خیوه رفته و با حاکم سلطان خان خیوه صحبت کنند و او را از فروش بردگان ایرانی که بتوسط ترکمن ها به خیوه برده می شدند باز دارند این هیئت بسر پرستی مستر ویلیام تامسون به خیوه رفتند ولی توفیقی حاصل نگردید و خان خیوه فقط موافقت نمود که مطابق همان تعدد اسیر ترکمن که در زندانهای ایران بودند او نیز اسراء ایرانی را آزاد کند و یاد آور شد اگر در استرآباد و شمال گرگان و خراسان هر قدر به ترکمن ها آزار برسد به همان میزان به ترکمن ها دستور خواهد داد به ایرانی ها آزار برسانند. بالاخره محمد شاه رضایت داد و سفیری از ایران به خیوه گسیل داشت و خان خیوه نیز سفیری به تهران فرستاد و تهدیدات جنگی بر طرف گردید و اسیران دو طرف نیز آزاد شدند. دولت ایران پس از مذاکره با خان خیوه و ایجاد دوستی با ترکمن های تکه و گوگلان و قبایل آتابای برای جلوگیری از حمله جعفر بای و اغورجلی های ساکن حسنقلی و اترک و گمیش تپه و چرکن از قیصر روسی کمک خواست و به دنبال آن در سال ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۲ يك اسکاادران قشون روسی که در اروپا قدرتی در مقابل اتریش و آلمان نداشت و

می‌خواست سرافکنندگی و شکست‌های خود را در غرب جبران کند به سواحل شرقی خزر آمده و بر علیه ترکمن‌های ساحلی که به دزدان دریایی معروف بودند به عملیات موفقیت‌آمیزی - پرداخت و به تجاوزات دزدان دریایی ترکمن که از بندرگز تا بندرانزلی را از راه دریا مورد حمله قرار می‌دادند - خاتمه داد *

و از طرفی نیز دولت انگلیس و عثمانی از این دخالت روسیه به وحشت افتاده و شروع به پخش اسلحه بین ترکمن‌های اغور جلی و یموت‌های جعفری‌ای کردند که در مقابل سپاه روس مقاومت کنند و این امر موجب شد که روس‌ها در ساحل نتوانند موفقیتی کسب نمایند ناچار در جزیره‌آشوراده - مستقر شده پادگان نظامی نیرومندی ساختند *

فصل ششم

((ماجرای آشوراده و میهن پرستی ترکمنها و))
و خدمت بزرگد آنها به ایران

در طرف ساحل شرقی خزر دماغه ای که از ساحل ایران در خلیج استرآباد پیش رفته شبه جزیره کوچکی متشکل از سه جزیره کوچک پهلوی هم و تقریباً "متصل" وجود دارد که مجموعاً "منطقه ای بسیار زیبا و حاصلخیز و پر جنگل و دارای شکارهای وحشی مختلفی میباشد که به آشوراده معروف است". فرمانده روسی که از مسکو دستور داشت هر طور شده آنها را به مالکیت روسیه درآورد در سال ۱۸۴۵ پس از آرام کردن ترکمن های اغورجلی و دریانورد این جزیره را برای پایگاه بحریه خود انتخاب کرده و در آن مستقر شده بود و بدین وسیله از طریق این جزیره خاک ایران را مورد تهدید قرار داده بودند. دولت ایران که خطر اشغال این جزیره را به توسط روسها بیشتر، از خطر حمله ترکمن ها میدانست تقاً — ضای خروج از آن جزایر را نمود ولی روسها به هیچ وجه ترتیب اثری ندادند. و حتی از حدود خود تجاوز کردند به بندرگاهی در مصب رودخانه قره سو در قسمتی که رود قره سو به دریای خزر می ریخت ساخته و به اعتراضات دولت ایران اهمیتی ندادند.

ترکمنها که از استقرار قوای روس در آشوراده ناراحت بودند و از اینکه دولت ایران قدرت بیرون کردن آنها را نداشت

رنج می‌بردند و چون اصولاً "ترکمن‌ها از روسها نفرت داشتند مصمم شدند که ضعف دولت را جبران کرده و خود برای بیرون راندن آنها اقدام کنند لذا بکمک مردی بنام خدرخان که از دلاوران بنام گمیش تپه و حسن قلی و اترک بطور مخفیانه ۲۰۰ نفر از طوایف گری و مخدوم - کلتیه و قرجه - قرینجیک و کر جمع کرده و نقشه حمله را طوری ترتیب دادند که در شب اول ژانویه سال ۱۸۷۵ یعنی شب اول این سال که عید مسیحیان و روسها بود و - چون می‌دانست در این شب همه روسها مشغول و از خود بیخود هستند حمله را شروع کرده و چنان وحشت و ترسی در دل روسها افکندند که شرح ماجرا حتی در روزنامه‌های فرانسه و انگلیس چاپ و آبروی روسها در اروپا و سایر نقاط به خطر افتاد . ولی روسها شهرت دادند که ترکمنها - ی بی سرو پا با تعداد کمی آدم بی اطلاع از فنون - نظامی هرگز قدرت حمله به آنها را نداشته و ندارند بلکه این اعمال را بکمک نیروهای مسلح و منظم حاکم استرآباد و ساری انجام داده اند . و از دولت ایران تقاضای عزل برادر شاه را که حاکم استرآباد بود نمودند و دولت وقت نیز برای جلوگیری از بهم خوردن روابط سیاسی با روسها و شاید هم از بی عرضگی شاه قاجار تقاضای آنها را انجام داد . ولی توضیح داد که این کار ایراییها نبوده بلکه این ترکمنها بوده اند که دست به چنین عملی زده‌اند .

روسیها پس از این جریان کم کم جزیره آشوراده را تخلیه کردند بطوریکه در سال ۱۸۸۸ هیچ روسی در آن جزیره باقی نمانده بود و این کار ترکمنها باعث شد که ایرانیان از عمل آنها باطناً "خوشحال شوند . گرچه بدولت روس قول دادند که ترکمنها را برای این کارشان تنبیه -

خواهند کرد . بقول انگلیسهای شاغل در سفارت انگلیس در تهران این عمل میهن پرستانه ترکمنها کار بسیار عظیمی بود که ارتش ایران هیچ وقت نمی توانست و با جرات چنین کاری را نمی توانست داشته باشد و حتی قدرتهای بزرگ نیز در بیرون کردن روسها از جزیره با شکست روبرو شده بودند . ولی حاکم جدید استرآباد بجای قدرتدانی از این عمل میهن پرستانه ترکمنها بفرمان شاه - نالایق قاجار و جهت خوش خدمتی به روسها به ترکمنها - ی ییوت حاشیه گرگان رود لشکر کشید و مردم امچلی و شاه تپه و باش یوسخا و منطقه آتابای شمال استرآباد را - سرکوب نمود و این امر موجب شد که ترکمن ها از دولت ناامید شوند و مجدداً از طریق دریا و خشکی به حملات غارتگرانه خود و آدم ربایی بپردازند . بطوریکه پس از تخلیه روسها از سال ۱۸۸۹ تا ۱۹۱۲ مدت ۲۸ سال تمام کلیه مناطقی جنوبی خلیج استرآباد و اطراف گرگان و سواحل جنوبی خزر را دستخوش غارت و چپاول قرار دادند تا آنجا که در سال ۱۹۵۲ تعداد ۸۰۰ قایق در هر قایقی ۵ نفر بودند یعنی حدود ۴۰۰۰ ترکمن از گلوگاه و قلعه پایان تا زاغسرز و امیر آباد و فرج آباد و ساری را مورد حملات وسیع خود قرار دادند و حدود یک هزار نفر را بیا اسیر کردند و یا کشتند . گویا این حملات بخاطر کتک خوردن چند نفر ترکمن در قره تپه از ماموران دولتی حاکم بهشهر بوده است . اثر این حمله بزرگ آنچنان بود که بسیاری از مردم منطقه از ترس جان به شهر ساری و مناطق کوهستانی هزار جریب مازندران متواری - گردیدند و هیچ زن و دختری جرات بیرون آمدن از منزل را - نداشت بناچار حاکم ساری نماینده های به گمیش تپه فرستاد و شخصی بنام قربان سردار و پس از او نفس سردار را از دلاوران

گمیش تپه و خواجه نفس بودند با تعدادی افراد مسلح ترکمن بعنوان ساخلوی میان کاله گماشت که سالیانه هزار تومان از طرف دولت بابت هر يك از این افراد مقرری تعیین گردید . همانطوریکه اشاره شد استعمارگران همیشه و در همه حال در صد اغفال و آلت دست قرار دادن ترکمن ها بودند و بیسواد و سادگی این قوم نیز در نیل به این امر به آنها کمک های شایانی نمود . بعنوان مثل میتوان پناهنده شدن محمد علی شاه به ترکمن ها و استفاده از وجود آنها بر علیه مبارزان مشروطیت در ایران آن روزگار را نام برد و ترکمنی که همیشه و در همه حال مورد ظلم ماموران قاجار قرار گرفته بود بدون هیچ گونه اطلاعی از تحولات سیاسی روز در ایران فقط بعنوان اینکه شاه به آنها پناهنده شده و مهمان آنها در گمیش تپه می باشد و می خواهد بهر يك از آنها هزار تومان خلعت بدهد بی درنگ مبارزان مشروطیت گرگان را سرکوب و به مازندران لشکر کشید و آنجا را تسخیر کرده و به تهران رهسپار شدند و این امر موجب وحشت عمومی در ایران شد که چندین هزار ترکمن با محمد علی شاه به تهران حرکت کرده اند . ولی از آنجا که همیشه حق پیروز است این لشکر در بین راه بعزت خوردن میوه نارس هفگی به دل درد و اسهال دچار شده و در همان حال نیز توسط مجاهدین مشروطیت پراکنده گردیدند . و محمد علی میرزا شاه دیکتاتور نیز به روسیه فرار کردند . حال باید انصاف داد که چرا ترکمن بر ضد دولت و مردم ایران عصیان میکرد ؟ چرا می کشت و می دزدید و آتش میزد و اسیر می کرد و می برده علت آن را باید در سیاست غلط دولت ایران و از رفتار قاجاریه با این مردم قضاوت کرد و بعد باید حق را بجانب حق دار داد .

((خلاصه تاریخچه نفوذ روس در آشوراده))

- ۱۸۳۷- روسها برای نخستین بار به آشوراده وارد شدند .
- ۱۸۴۲- سرجان مك نیل سفیر انگلیس حضور روسها را در این جزیره به وزارت خارجه انگلیس اطلاع داد .
- ۱۸۴۶- روسها در جزیره تاسیساتی بنا نهادند و یاب مذاکره با ترکمنها را باز می کنند .
- ۱۸۴۷- دولت ایران جهت اخراج روسهای آشوراده از انگلستان - ن استمداد نمود .
- ۱۸۴۹- دولت انگلستان برای خروج روسها اقداماتی می کند ولی نتیجه ای حاصل نمی شود .
- ۱۸۵۴- دولت ایران از روسیه رسماً درخواست خروج نفرات روسیه را از جزیره نمود ولی نتیجه منفی بود .
- ۱۸۵۶- وضع نیروی روس در این جزیره تقویت شده و نفرات اضافی به آنجا اعزام می شود .
- ۱۸۶۶- شاه به آشوراده می رود و اقدامات تأمین روسیه را بر ضد ترکمنها تأیید می کند .
- ۱۸۶۹- روسها کراسنودسک را اشغال می کنند .
- ۱۸۷۱- روسها چکش لرو جزیره چلکن را اشغال می کنند و تا حسن قلی و آجی یاب و اترک پیش می روند .
- ۱۸۷۵- ترکمنها روسها را بشدت سرکوب و تاسیسات آنها را با آتش کشیده وعده زیادی را کشتند و چند صد نفر از جمله چند خانم روسی را به اسارت می برند .
- ۱۸۷۸- روسها بکلی آشوراده را تخلیه کرد و از آن حدود دور می شوند .

((ترکمنستان در یک صد سال اخیر))

در مورد ترکمنستان کتابهای فراوانی در چند سال اخیر در روسیه چاپ و منتشر شده است که بقرار زیر هستند :

- | | |
|-----------------------|--|
| کتاب | نویسنده |
| کشف آسیا | موسط خاور شناس روس و و. بارتولد |
| ترکمنستان و ترکمن ها | که بزبان فرانسه ترجمه شده
تومانویچ ترجمه نشده است |
| ترکستان نامه | و. بارتولد ترجمه رضا علیزاده لا -
ه. ۱۳۴۵ که از نسخه ترکی ترجمه شده |
| جغرافیای تاریخی ایران | و. بارتولد ترجمه مراد طالب زاده
۱۳۰۸ |
| تاریخ الغ بیگ | و. بارتولد ترجمه حسین احمدی
- پور تبریز ۱۳۳۶ |
| تحرك اقتصاد روستایی | م - نیم چنگو بزبان ترکمنی در ۱۹۲۶ |
| ترکمنها | م - عشق آبا - |

بارتولد نویسنده روسی در کتاب ترکستان راجع به ترکمنستان چنین مینویسد :

پس از آنکه سرزمین خانات آسیای مرکزی و شهرهای معروف آن بدست روسها افتاد ایجاد خط آهنی که همیشه مطمع نظر اولیاء دولت روس در آن صفحات بود هنگامی امکان پذیر گردید که در اوایل سال ۱۸۸۰ میلادی ترکمنها در اطاعت -

دولت روسیه در آمدند . زد و خورد روسها با ترکمنها در سال ۱۸۷۹ میلادی شروع گردید و میتوان گفت که مهمترین اقدام — جنگی و نظامی روسیه در آسیای مرکزی بشمار می آید . ترکمنها از نظر جنگجویی بیای اوزبکها نمی رسند علی الخصوص که دارای تشکیلات حکومتی نبودند و از لحاظ سلاح و آلت و اسباب جنگی هم با اوزبکها قابل مقایسه نبودند . و از آن جمله بکلی فاقد توپخانه بودند نه دارای شهر بوده و نه استحکامات مستمری داشتند ولی با این همه مقاومت آنها در مقابل نظامیان روسی بیشتر از تمام اقوام دیگر آسیای مرکزی مشهور گردیده بود . بطوریکه در نبردهای اولیه بکلی روسها را تار و مار کرده شکست دادند و حتی اسکویلف بهترین فرماندار روس را هم چند بار شکست دادند و با تصرف دو توپ و پرچم روسها عملاً از خود نشان دادند که تا آن زمان ابداً در هیچ جایی جز جنگ ناپلئون نظیر آن دیده نشده بود .

وقایع ترکمنستان را بطور خلاصه قید می کنیم :

سنه ۱۸۵۲ — ترکمنهای تکه با ۵ هزار سوار لشگر ۳۰ هزار نفری ایران را شکست داده و همه را اسیر کردند .

سنه ۱۸۷۵ — ترکمان تکه مسافت صد و بیست مایل را که مابین آنها چهار جون بود طی کرده و ترکمن های آرساری را در چمنها و زراعتگاه های خود شکست دادند .

۱۸۷۲ — روسها ترکمانان یموت را در نزدیکی ایل جلی که از ترکمانان خیه اند درهم شکستند .

۱۸۷۶ — تکه ها قلعه گوبا کلسی را تصرف کردند و در همان حال شهریت نک را که در ولایت خان خیه واقع است به آتش کشیدند .

۱۸۷۷ — ترکمن های تکه کاروانی از روسها را به مسافت هفتاد مایلی از کونا اور گنج راه پیموده بود غارت کردند و قلعه ایسامو

را تاراج نمودند *

۱۸۷۶ - قشون کراس نود و سك جهست سرکوبی ترکمنهای تکه به کونا اورگنج مامور شدند *

۱۸۷۶ - قشون کراس نود و سك توسط تکه ها تار مار شده همگی سربازان روسی کشته شدند *

۱۸۷۷ - ژنرال لوماکین روسی بطرف قزل آروات پیش رفت ولی قبل از آنکه بتواند موقعیت خود را تحکیم کند توسط یموت - ها قتل و عام شدند و ژنرال روسی با عده کمی مجبور به عقب نشینی و نجات خود شده *

۱۸۷۸ - ژنرال لوماکین این بار با تجهیزات کافی جهست سرکوبی تکه های آخال و مرو به گوک تپه رسید و با نیروی عظیم توپخانه خود تلفات موحشی به ترکمنها وارد آورد ولی با دست دادن کلیه توپها و پرچم روسیه و با کشته شدن ۳۵۰۰ سرباز روسی عقب نشینی کرد که موجب عزل او شد و آبروی دولت تزاری بخطر افتاد این شکست را ژنرال سرپرستی سایکس انگلیسی با عقب نشینی انگلیسیها از کابل برابر می داند *

در سال ۱۸۷۹ روسها دوباره لشکرکشی کردند ولی این بار هم از تکه ها شکست موحشی خورده و بسیاری از سربازان خود را از دست دادند و مسکو به وحشت افتاد در سال ۱۸۸۰ ژنرال اسکویلف که از معروفترین فرمانداران روسیه بشمار میرفت با چهار عراده توپ و یازده مسلسل و ۱۲ هزار تفنگدار مسلح به جنگ ترکمنها رفت *

در سال ۱۸۸۱ - در ماه ژانویه با وجود حمله شدید ترکمنها به محاصره روسها درآمدند و در محلی موسوم به طق که دارای قلعه ای بود سرانجام روسها موفق به شکست ترکمنها شده و گوک تپه را به تصرف در آوردند و بیرحمانه همگی -

مردان گوگ تپه را به قتل رسانده و جسد های آنها را درمقا-
بل بچه ها و زنان ترکمن به آتش کشیدند . تا موجب وحشت
و عبرت ترکمنهای دیگر باشد .

در سال ۱۸۸۲ تا ۱۸۸۴ - آخال و مرو به تصرف رو -
سیه درآمد و عشق آباد نیز بدون مقاومت به تصرف روسها
گردن نهاد .

در سال ۱۹۱۰ - ترکمنهای یموت یا کمک خواستن از ایران
با روسها در کوههای گولی داغ جنگیدند ولی بعلت کمک
ندادن ایران شکست خوردند .

در سال ۱۹۲۰ - خان جنید پس از ۲ سال مبارزه با
روسهای بلشویک لنینی به ایران پناهنده و پس از سه سال -
نبرد با دولت ایران به افغانستان پناهنده گردید .

در سال ۱۹۲۲ - آخرین مبارزین ترکمنها حق مراد خان
و قونچ با دولت کمونیستی روسیه می جنگیدند کشته شدند و
در کوههای بالقان مدفون شدند (بالقان) بال آقان .
حال باید قضاوت کرد که ترکمنها در ایام قاجارها چه
ظلمهائی از نظام پادشا هی ایران و امپراطوری روس کشیده
- اند و چگونه در دو جبهه مبارزه مکررند .

((ترکمنستان شوروی))

ترکمنستان شوروی امروزه در میان ۱۵ جمهوری روسیه شوروی یکی از مهمترین جمهوریه‌ها را تشکیل می‌دهد و از نظر وسعت خاک مقام چهارم را در اتحاد جماهیر شوروی دارد و مساحت خاک آن معادل با ۴۹۱۰۰۰ کیلومتر مربع است که برابر مساحت خاک اسپانیا میباشد و پایتخت آن عشق‌آباد در دامنه کوه کوبیت داغ واقع است و شهرهای معروف آن عبارتند از:

مرو ، چهارجوی ، کراسنودسک ، دارقان آتا، تاشاغوز
گی برونسک ، بهاردن ، قره قلعه ، یربنت ، دروازه میباشند
و در حدود کمی بیش از ۵/۳ میلیون نفر جمعیت دارد که
در حدود ۷۰٪ ترکمن و ۱۲٪ اوزبک و ۹٪ روس و مابقی ۹٪
دیگر ارامنه و قرقیز و ایرانیان و یهود مهاجر هستند .
البته در حدود یک میلیون ترکمن دیگر در ازبکستان و —
سایر جمهوری‌ها ساکن هستند . ترکمنستان در جنوب —
ترکمن صحرای ایران و االت ترکمن نشین افغانستان و در مشر
— ق با کشور ازبکستان و در شمال با قزاقستان و ایالت خود
مختار قره قالپاق دارای مرز مشترک میباشد و در مغرب سرحد —
ش از دریای خزر می‌گذرد و دارای بنادری چون حسن قلی و
چلکن و اقورسنسکی و کراسنودسک میباشد .

ترکمنستان از لحاظ اوضاع و احوال اقلیمی یکی از مستعد
— ترین منطقه برای کشت و پرورش پنبه در سرتاسر روسیه به
شمار می‌آید و دارای معادن فراوانی از قبیل گوگرد و باریت و

آهن و منابع گاز و نفت میباشد . و از مظاهر امکانات بالقوه خویش یکی از بزرگترین مرکز نفت خیز روسیه شوروی محسوب می گردد . و دارای کارخانجات ماشین سازی و کبریت سازی و پالایشگاه نفت و غیره میباشد . معادن گوگرد طبیعی در قسمت مرکزی قره قوم که مدت ۳۰ سال مورد استفاده بود اخیراً به علت کشف معدن گوگرد جدید در گوار داغ در جنوب شرقی ترکمنستان چون دسترسی به معدن جدید آسانتر از معدن قدیمی بوده فعلاً تعطیل و برای آینده این کشور ذخیره شده است . روز ۲۷ اکتبر سال ۱۹۲۴ میلادی به عنوان سال روز استقلال جمهوری سوسیالیستی ترکمنستان شوروی هر ساله ۲۷ اکتبر در این کشور جشن گرفته میشود ترکمنستان دارای ۲ دانشگاه و یک مرکز تحقیقات انرژی آفتاب دارد که دانشمندان ترکمن در آن مشغول فعالیت علمی هستند از نویسندگان ترکمن که شهرت جهانی دارند نویسنده ۸۰ ساله ترکمن بردی کر بابایف را میتوان نام برد که بیش از دوست اثر او در روسیه و کشورهای اروپایی و آمریکایی چاپ و منتشر شده است .

فصل هفتم

((اوضاع امکنه و طوایف ترکمن ها در ایران))
و ترکمنستان در سال ۱۸۷۵

در مورد مکان اولیه و مهاجرت قوم ترکمنان و طوایف قدیمه آن در فصول اول این کتاب به تفصیل سخن گفتیم و دانستیم که اصل ترکمن های ایران و روسیه و افغانستان از نژاد ترکمن های چگلی و اغوز و غز و خلیج و غیره هستند. گرچه سیاحانی چون پرفسور و امبری و سایر مردان بزرگ وقایع نگار عقیده دارند که ترکمن ها و اوزبک ها از یک نژاد بوده و از ترکهای (سله) که تعلق باوتات قدیمه دارند میباشند ولی بر طبق مدارک مورخان قدیمی و جغرافیا - ی قدیم چون حدود العالم و صورت العرض ترکمنان از نژاد غز و اغوز هستند و نامی از طایفه ترك سله در این کتابها دیده نمی شود . شاید این عقیده هم نژاد بودن ترکمن با اوزبک ها تا حدودی مورد قبول باشد ولی باز هم کمی بعید بنظر میرسد . زیرا آداب و رسوم و گویش ها و سنتها - ی متفاوت ایلی بین این دو قوم کاملاً معلوم و آشکار است . اما این حقیقت را باید پذیرفت که ترکمنها اصیل ترین ترکها در دنیا هستند و بواسطه صحراها و طبیعت ناهنجار و غیر قابل نفوذ ترکستان از گزند هر نوع فرهنگی در زیان و آداب و رسوم خود در امان بوده اند و به همان علت حقیقت نسل اول خود را بهتر از نسلهای دیگر ترك سالم و دست نخورده داشته اند . در صورتی که جماعت ترقیز و قراقالپاق و ترکهای آذربایجان و قفقاز بعلت آمیزش با فرهنگهای دیگر اسالت -

قومی خود را از دست داده اند که دو طایفه نامبرده اول با قالموق ها و طایفه بعدی با ایرانیان در آمیخته و بسیاری از فرهنگ ها و سنت های اصیل خود را از دست داده اند و به صورتهای نه ترك نه مغول و نه ترك و نه ایرانی در آمده اند .

ترکمنهای سلجوقی نژاد ترکیه نیز با اینکه بسیاری از اصالت قومی خود را در اثر آمیزش با ملل غربی از دست داده اند ولی با این وجود بسیاری از رسومات ایلی و قبیله ای ترکمن های اصیل ایل عثمان خان را حفظ کرده اند .

اکنون بررسی موضعی در مورد تقسیمات ایلات ترکمنان با استفاده از آمارهایی که نمسه اتریشی و سایر جهانگردان و خاورشناسان نوشته اند آغاز کرده و مکانهایی را که آنها در آن سکنی دارند تشریح میکنیم ابتدا به آنهايي اشاره خواهیم کرد که بیشتر در اطراف شرق دریای خزر سکونت دارند و سپس به ترکمن های دیگر در روسیه و افغانستان میپردازیم :

ترکمن های قره چورقاي (یموت) — نزدیک دریای خزر — مابین رود خانه گرگان و تا حاشیه آبهای سیحون ترکمنان قره چورقاي که به یموت معروف اند زندگی میکنند . و هم چنین در کنار آنها ترکمنان بایرام شالی که قسمت بیشتر آنها در اطراف و داخل شهر خیوه سکنی دارند در صورتیکه فقط هزار خانواده از یموت ها در خیوه میباشند . ترکمن های یموتی که در کناره های شرقی خزر زندگی مینمایند بد و قسمت تقسیم میشوند :

- ۱ — شرف جعفریای که در حدود هشت هزار خانوار بوده و در ساحل شرقی خزر در خاک ترکمن صحرا زندگی میکنند .
- ۲ — آق آتابای یا چونی است که بقدر هفت هزار خانوار بود و اطراف شمال شرقی استرآباد و گنبد کاوس و مبارک آباد هستند .

مرغان این دو منطقه نامبرده از ترکمن های یموت و از ایلات جعفربای ها و آق آتابای ها تشکیل شده اند طایفه جعفربای به دو قسمت تقسیم می گردند :

۱- شرف نور علی

۲- شرف یار علی که خود نور علی به چندین تیره مثل ایل های حسنقلی-کر-پنق-کوتک - قرینجیک - قازلی-کر کلتبه و قره جه و کم لرها هستند .

فرقه های یار علی نیز پنج فرقه اند بقرار زیر:
آرخ کل ، قزل ، سقالی، ایری طوماج ، آونق توماج ، پور قاز و چوگان هستند . البته نویسنده این مآخذ را بیش از یکصد سال قبل نگاشته است .

ترکمن های آتابای منشعب به آق آتابای و آق داز و آق - ایمر و آق بدراق و آق ایکدر و آق کوچیک و آق قان یوقماز هستند . این ترکمن ها نیز بدو قسمت کلی تقسیم می شوند که یکی اوبه نشین بوده و به زراعت و صید اشتغال دارند و د - یگری صحرا گرد و دارای زندگی بیلاق و قشلاقی بوده و با گله داری و پرورش اسب و گوسفند و شتر و گاو روزگار می گذرانند . دسته اول راجمیری یا روستا نشین و شهر نشین می نامند و گروه دیگر به چاروایا چادر نشین معروف اند .

طایفه دیگری از ترکمن ها که از قبایل مختلفی مخلوط - شده اند در شمال محل سکنا یموت های جنوب اترک درسا - حل دریا و در جزایر چلکسن و اقورسینسکی و در شبه جزیره منگ قشلاق و بنادر حسن قلی و در جبل و شاه قدم ساکن هستند که به ترکمنهای اقورجلی یا دزد که همانطور از نامشان پیداست معروف شده اند . ترکمنهای اقورجلی را از نسل ترکمانانسی می دانند که از اقسام طوایف مختلف مخلوط شده و در آن محل ساکن هستند . اغورجلی که عبارت از دزد و سارق و یا

یاغی میباشند اغلب به ترکمنهای جعفریای سر تسلیم و اطاعت پیش آورده اند . و به همین جهت آنها را از ترکمنهای جعفر - بای می دانند که تعداد دو هزار خانوار هستند که در سواحل دریا و جزیره چلکن و منگ قشلاق و در چکش لرو حسن قلی و آجی یاب و قزل سو ساکن هستند و در آنجا - معاش خود را از صید ماهی و فروش نفت و نمک و بازرگانی دریایی و گاهی غارت ساحل نشینان فارس زبان البته زما - نی که ایرانیان به ترکمن ها آزار میدهند می گذرانند . و حدود ۳۵۰ خانوار آنها در جزیره اغور سیسکی متوطن هستند و معاش آنها منحصر " از صید ماهی تأمین می شود . در میان یموتها و اقورجلی ها و حتی ترکمنان بایرام شالی دو کلمه قول و ایگ بسیار شایع است قول به ترکمن هایی گفته می شود که مادر یا مادر پدر آنها از اسرای ایرانی بوده باشد و در واقع دو رگه باشد و ایگ به ترکمن های اصیل که چندین نسل تا کنون از طرف پدری و مادری ترکمن بوده باشد اطلاق می شود . ایگ از نظر ترکمنها از هر جهت بر قول ارجحیت دارد و احترامش بیشتر است و حتی ترکمنهای یموت و اغور - جلی که ایگ هستند حاضر به دادن دختر یا گرفتن زن از خانواده های یموت قول و اغور جلی قول نمی باشند . قولها معمولا " پس از ۳ نسل می توانند از ایگ ها دختر بگیرند . ترکمنهای شهیزه از نسل ترکمنان تکه هستند که حدود چهار صد خانوار هستند که در قطعه زمین بکود یج و در زمینی که مابین خلیج قرا بوقاز و کراسنودسک واقع است توطن دارند و شغل آنها مخصوصا " تجارت ماهی و نمک و قالی بافی میباشد ترکمنهایی که از طوایف مختلف در شبه جزیره منگ قشلاق از خلیج قرا بوقاز گرفته تا دماغه کوپ قاراکن سکنی دارند - بقدر هزار خانوار می شوند و شغل آنها فقط صید ماهی میباشد

ترکمن های ایگدر که میان آنها زندگی می کنند ظاهراً به سلسله آتابای ها تعلق دارند و نسل ترکمن های دیگر معلوم نیست چون از سالور و ساروق و يموت گوگلان و تکه نیز کمابیش در بین آنها دیده می شود .

شغل مخصوص ترکمن های چمور دریای خزر زراعت و صید ماهی و شکار و تجارت دریایی و بافتن قالی و قالیچه و پرورش اسب و شتر و گوسفند و تجارت دریایی با بندر هشترخان و - بادکوبه و انزلی میباشد . گندم و جو و ذرت مخصوصاً ذرتی موسوم به چوکارا در آن منطقه بعمل می آید . فقط تجارت ماهی در بندر حسنقلی است که نزدیکی خلیج حسن قللی واقعست و قریه مزبور شامل چند خانه و مسجد چوبی از تخته برادر و - سی معروف (بتام) و حدود هزار و گاهی در بهار حدود دو هزار چادریا آلاچیق (اوی) میباشد که در سواحل خلیج بقاعده و مرتباً قرار گرفته اند . در جزیره چلکن در سال ۱۸۷۷ - کمپانی مویل چاه احداث نمود که از یکی بارتفاع زیاد نفت بیرون می داد و هر روز در حدود ۵۰ تا ۱۰۰ پوت نفت بعمل می آورد در سنه ۱۸۳۴ روسها در آن مناطق شروع به ساختن قلعه نظامی (الکساندر دوسکی) کردند و در سنه ۱۸۶۹ زمین کراسنودسک را روسی ها تصرف و بواسطه اطلاعات نظامی از سنه ۱۸۷۰ الی سنه ۱۸۷۴ به سواحل شرقی و غربی خزر استیلا یافته در سال ۱۸۷۴ قسمت شرقی خزر تا رود اترک به تصرف قطعی روسها درآمدند و در سنه ۱۸۷۴ در ۲۱ ماه مارس قراردادى با ایران در مورد مهاجرت های فصلی ترکمن - های چاروای ایران و روس به خاک دو کشور جهت بیسلاق و قشلاق و بعکس به خاک ایران و روس میرفتند امضاء کردند و به تمام ترکمن های دو طرف قرارداد ابلاغ نمودند که از ۲۵ ماه اوت ۱۸۷۴ مفاد این قرارداد نامه را رعایت کنند

گوگلانها -

این گروه ترکمن ها به روایت بعضی از مورخان در زمان سلاطین سیمجور و به روایت دیگری نیز همراه سایر ترکمن ها در قرن چهارم و پنجم هجری آمده اند و یکی از ایلات بزرگ ترکمن میباشند و متمدن ترین و یکی از با مکنّت ترین ترکمن های ایران هستند و بهترین و حاصلخیزترین زمین های ایران را در تصرف دارند که مابین کوههای البرز و کوبیت داغ واقع است و سرزمین آنها را یکی از سر زمین های سر سبز و پر آب ایران می توان نام برد .

ترکمن های گوگلان به شش قسم عمده تقسیم می شوند :

۱- اول قبیله قایی که در قارری قلاخ و دور دارو - سکنی دارند این قبیله پر جمعیت به طوایف زیر تقسیم میشوند که بقرار زیرند .

۱- باکاوشا

۲- ملا

۳- دارو

۴- تایچک

۵- ژباژی

۶- سوار

۷- عرب

۸- تاشاک

۹- قارائاس (قارناس)

۱۰- آبشاک

۱۱- چایدار

۱۲- محمد

۱۳- ارککلی

۱۴- شایشا

۱۵- كيك

۱۶- صوراتلى

۱۷- قره بالخان

۱۸- قير

۱۹- قزلجه

۲۰- حاجى باى (حاجى بگ)

۲۱- پادشى (پاشاى)

۲۲- چتر (چاتال)

۲۳- سقرسىكى

۲۴- ميرزا باى (ميرزا پانگ)

۲۵- گين ليك

۲۶- توكانچى

۲۷- جان مريانلى

۲۸- دالى

قسمت دوم به پايندر معروفند و نزديكى پيش كمر -
سكنى دارند و عبارتند از :

شيطان - كروك - قالايجى - يساق ليق *

قسمت سوم قبيله قرق است كه در زمينهاى موجوا و تووكا سكنى
دارند و به قبائل زير تقسيم مى شوند :

گوگجه - قارا قوزى - صوفيان - تفرقرجه - قره سقال -
دهنه - گرگز *

قسمت چهارم قبيله آي درویش مي باشند كه در رميمهاى
قره شيخ سكنى دارند و طوايف زير هستند :

۱- قوشچى

۲- آدشان

۳- قانجوخ (قانجيق)

۴- قجمن (قوجامز)

۵- سورت پيك

۶- ساريجه

قسمت پنجم قبیله چغیر بیگدلی که نزدیک کوه نالکوس
داشانا سکنی دارند و مشتمل بر طوایف زیر میباشند :

۱- چغیر

۲- قارول

۳- قول قره

۴- کوسه

۵- امان حوجه (امان خوجه)

۶- عرب (عرب بوران)

۷- باینال

۸- قاریشمال

۹- پنگ

قسمت ششم یانقاق سقری نامیده می شوند که در نزدیک
گمیزکوس و در قلعه سنجر سکنی دارند و مشتمل بر خانواده
های ذیل است :

۱- آق شور

۲- قاراشور

۳- دیزاگر

۴- آنقوت

۵- قوشچی

۶- خر

۷- گرکز (گرکز)

بنابر روایت خود گولان ها آنها از نسل دو برادر بنا -
مهای دو دورقه و حلقه داغلی هستند و از دو دورقه ها ترکمن
های بایندر و قرق و یانقاق و سقری آمده اند و ترکمن های قا -
بی و آی درویش و چغریگدلی از نسل حلقه داغلی هستند *

((ترکمن های تکه و تقسیمات ایلی آنها)) در ۱۲۰ سال قبل

شجاع ترین و مقتدر ترین طایفه ترکمن ها هستند و در -
رمین های مرو و آخال و گوگ تپه و طشق و عشق آباد سنکنسی
دارند ترکمنان تکه بواسطه اسم و محل سکنا ی خود معروف به تکه های مرو
و تکه های آخال هستند ترکمنان تکه چون در زمین کوچک و کم وسعتی سکنی
دارند و در جنوب آن کوههای سر بفلک کشید و در شمال آن
صحرای خشک واقع است و در آن چنان محیطی زراعت و گله
- داری می کنند باین جهت بیش از سایر ترکمن ها به لطعات
و صدمات زندگی مقاومت دارند و چون در نزدیکی صحرای خشک
و بی آبی سکنی دارند و کمتر کسی به آن منطقه رفت و آمد دارد
به همین جهت بهتر از سایر طوایف ترکمن استقلال -
مملکت و وضع اصالت قومی خود را حفظ کرده اند . جمعیت
تکه های آخال در سال ۱۸۵۰ در حدود ۳۰ / ۰۰۰ هزار
چادر و تعداد تکه های مرو به ۵۰ / ۰۰۰ هزار چادر تخمین
شده اند و در حدود ۵۰۰ / ۰۰۰ نفر تعداد افراد آن ایل
را برآورد کرده اند و زندگی آنان در موقع تهیه این آمارها
با گله داری و پرورش اسب و گوسفند و شتر و زراعت و جنگ
با ایرانیان و روس ها می گذشته است .

تکه ها بطور کلی به دو گروه تقنمایش و اوتامیش تقسیم
نداده اند سلسله تقنمایش از دو شعبه بگ و وکیل پیدا شده
است شعبه بگ به طوایف زیر تقسیم می شوند :
یک قسمت بنام توکجه که خود بطوایف - یاری و گوگجه
و قارا کوگجه تقسیم می شوند .

قسمت دیگر موسوم به تایماس و موجک است و قسمت دیگر

به آمان شاش معروف اند و شامل قبایل کاکو - سرنیگ - و آجیر
باش است يك قسمت موسوم به شار میباشند که مشتمل بر طوایف
(شار و یعقوب) می گردد . ترکمن های کنگور مشتمل بر خانوا -
ده های قارا کنگور و آق کنگور میباشد . شعبه ترکمن های تکه
وکیل بقرار زیر هستند :

ترکمن های آق وکیل مشتمل بر خانواده های شاشین و
قره یوسف و جازی و کان دشیک و قارا و زبور ماچ و شارون
است ترکمن های قارا وکیل مشتمل بر طوایف زیر هستند :

۱- آریک

۲- کارادشاو

۳- شالیل

۴- قارا بوگری

۵- کاکاشال

ترکمن های اوتامیش به دو شعبه تقسیم می شوند موسوم
به سچمیش و شعبه باغشی .

ترکمن های سچمیش مشتمل بر خانواده های :

۱- اوچروک

۲- پرنک

۳- قارا احمد

۴- تیاز

۵- میریش

و شعبه باغشی مشتمل بر قبایل :

۱- یروانش

۲- وسچاگیر

۳- گوگ

۴- سلطان عزیز

۵- برشی پس

در این مبحث بی مورد نیست بگوئیم که در سال ۱۷۷۵-
 خان بخارا مرو را بکمک تکه ها و ساروق ها متصرف شده و -
 ایرانیان را از آن حدود بیرون کردند . پس از این واقعیه
 دولت ایران جهت تصرف مجدد مرو ۳۰ هزار سرباز به
 فرماندهی دو سردار معروف ایرانی به آنجا فرستاد که تا سفانه
 بعلت عدم لیاقت سرداران نامبرده تکه ها و ساروق ها آنها را
 بشدت سرکوب و منهدم نمودند و مرو را که از ۱۵۷۰ میلادی در
 دست ایرانیان بود برای همیشه از خاک ایران جدا کردند .

در سال ۱۸۳۵ ترکمن های آخال از تکه های مرو جدا
 شدند و این جدایی بعلت زیادی جمعیت تکه ها نبودن جا
 جهت زندگی بود و بعد از جدا شدن با راهنمایی از خان
 رئیس قبیله تکه های آخال به منطقه معروف آخال و به مغرب
 قریه جیار که در انتهای هری رود واقع است رفتند و
 با جنگهای متوالی با ساروق ها و سالورها در سال ۱۸۶۵ -
 آنها را مطیع خود ساختند و حتی از تبعیت خان خیوه و دولت
 ایران نیز بیرون آمده و بصورت مستقل اداره منطقه را بعهد
 گرفتند که بالاخره با وعده وعیدهای خان خیوه مطیع او
 شده و تبعیت او را پذیرفتند .

در سال ۱۸۴۰ ترکمن ها در افغانستان پدیدار شدند
 ساریق و سالورها وعده کمی چودور منطقه پنج ده و -
 زولتان و چشمه مرغاب و اطراف میمنه و شمال هرات و
 بلخ امروزی و اطراف پاراپامیسوس را از افغانهای صحرا
 گرد موسوم به ایل جمشیدی ها و تیموری ها گرفتند و آنها را به
 مرکز افغانستان عقب رانده و خود ساکن مناطق نامبرده گرد-
 یدند . بعد از انقلاب اکتبر نیز بسیاری از ترکمن های تکه
 و یعوت به خاک افغانستان گریخته و در اطراف مزار شریف و -
 میمنه و جلال آباد ساکن گردیدند .

سایر قبایل ترکمن در ترکستان

در شمال محل سکناي ترکمن های بایرام شالی ما بین آنها و آنچه که از نسل ازیک در خيوه مانده است يك سلسله از ترکمن ها زندگی می کنند که به ترکمن های چودر معروفند و عده آنها به حدود ۱۳/۰۰۰ چادر تخمین زده می شود و هرگاه شخصی از کنار رودخانه آمودریا برود در ساحل چپ آن سلسله ترکمانان زیر را مشاهده می کند . ترکمن های ساکار که ۳۰۰۰ چادر هستند و حدوداً بیست کیلومتر بالای شهر بوشاریت در چهارجوز زندگی می کنند ۲۵ کیلومتر بالا ترکمن های سا جات و آسکی هستند که اصلاً چودر می باشند و بقدر ۲۵۰ چادر هستند و متعلق به بخارا می باشند کمی بالاتر از آنها ترکمن های آرساری هستند که حدود ۴۰/۰۰۰ هزار چادر هستند و متعلق به بخارا می باشند و محل سکناي آنها تا خاک افغانستان امتداد دارد و به چهار دسته زیر تقسیم میشوند :

- ۱- ترکمن های قارا در زمین های سوچی کوندوز ساکن هستند .
- ۲- ترکمن های اولی پاتا - در اطراف شالاچ و پلوآرت سکنی گرفته اند .

- ۳- ترکمانان بکا اول - که در سواحل راست آمودریا در - زمینی که مقابل سوچی کوندوز واقع و موسوم به بوردا لیگ می باشد ساکن شده اند .

۴- ترکمن های سالور و ساروق

از منطقه سرخس و آنسوی دره گز خاک ایران تا خيوه ساکن هستند که بیش از ۱۴/۰۰۰ خانوار تخمین زده می شود .

۱
پرفسور وامبری با حساب $\frac{1}{3}$ آنچه که در آمارها به او می گفتند تعداد ترکمن ها را در حدود يك میلیون نفر در سال

۱۸۳۵ می‌داند با توجه به اینکه در آن زمان کل جمعیت ایران حدود ۸ میلیون نفر بوده است و اکنون ۳۶ میلیون نفر است. تعداد ترکمن‌ها را در حال حاضر حدود ۶/۵ میلیون نفر در ایران و روس و افغانستان می‌دانند.

((آمار کلی ۹ طایفه اصلی ترکمن به‌عقیده))

پرفسور وامبری در سال ۱۸۳۵

تعداد چادر
www.tabarestan.info

نام ایل

۱۲/۰۰۰

۱- چاو دور

۵۰/۰۰۰

۲- ارساری

۳/۰۰۰

۳- آل ایللی

۱/۵۰۰

۴- قره

۸/۰۰۰

۵- سالور

۱۰/۰۰۰

۶- ساریق

۶۰/۰۰۰

۷- تکه

۱۲/۰۰۰

۸- گوگلان

۴۰/۰۰۰

۹- یموت

۱۹۶/۵۰۰

جمع کل چادرها

— اگر در هر چادر ۵ نفر بوده باشند تعداد آنها ۹۸۲/۵۰۰ نفر می‌باشند.

و اکنون نظری به آماری که نمسه اطریشی در یادداشتها
— ی خود بدان بطور مفصلی در مورد هر ایل و تعداد
چادرهای آنها تخمین زده است توجه کنیم:

آمار سال ۱۸۸۸

نام ایل	تعداد چادرها
۱- تکه ها	۸۰ / ۰۰۰
۲- چودورها	۱۳ / ۰۰۰
۳- ساکارها	۳ / ۰۰۰
۴- آرساری ها	۵۰۰ / ۰۰۰
۵- یموت ها	۴۵ / ۰۰۰
۶- گوگلان ها	۱۲ / ۵۰۰
۷- سالور	۸ / ۰۰۰
۸- ساریق	۱۴ / ۰۰۰
۹- آل ایللی	۳ / ۰۰۰
۱۰- قره	۱ / ۵۰۰
تعداد کل چادرها	۲۴۳ / ۵۰۰

اگر بطور متوسط در هر چادری ۵ نفر زندگی می کرده -
 است تعداد ترکمن ها فقط در ایران و روس ۱ / ۲۱۷ / ۵۰۰ -
 نفر در سال ۱۸۸۸ یعنی در حدود ۹۰ سال پیش بوده است.
 ترکمن های افغانستان در سال ۱۹۷۷ علاوه برداشتن
 فرستنده رادیویی جهت حفظ و احیای زبان خلق ترکمن -
 افغانستانی به چاپ و انتشار روزنامه ای بزبان ترکمنی در
 زملن ریاست جمهوری توفیق یافتند در ضمن در افغانستان
 امروز ۱ / ۵۰۰ / ۰۰۰ نفر ترکمن زندگی می کنند و یکی از طایفه
 بزرگ افغانستان را تشکیل می دهند.
 ترکمن های افغانستان را اکثر قبایل تکه و سالور و آرساری و

ساریق و چو در و تعدادی یموت های خیه معروف به یموت —
 های بایرام شالی و قره چورقای تشکیل داده اند . و اکثرًا با
 پرورش گوسفند قره گل و اسب های ترکمنی و پرورش شتر و
 کشاورزی روزگار میگذرانند .
 در سالهای اخیر عده ای جوانان ترکمن با استفاد ه
 از مدارس و نیروی معنوی دانشکده ها به استخدام موسسات
 و ادارجات دولتی درآمده اند .

((اسامی دهات و قرا' ترکمن ها در ایران و روس))
 که هنوز هم هستند در سال ۱۸۸۵

نام ده یا قلاع	ایلات ساکن
۱- نورو	تکه — یموت
۲- گیور قلعه	تکه
۳- خیه	یموت — تکه
۴- مرو — ماری	تکه
۵- آخال	تکه
۶- عشق آباد — کرشن آباد	تکه — یموت — سالور
۷- چکش لر	یموت
۸- اقور سینسکی	یموت
۹- منگ قشلاق	یموت
۱۰- چرکن	یموت
۱۱- حسن قلی	یموت
۱۲- پنج ده	ساریق و سالور
۱۳- ژولتان	ساریق و سالور
۱۴- قزل اروات	تکه — یموت

نام ده یا قلاع ایلات ساکن

یموت	۱۵- بلخان بزرگ
یموت	۱۶- بلخان کوچک
گوگلان	۱۷- یوزباشی
تکه	۱۸- کزات
تکه	۱۹- پیس مین
تکه	۲۰- طلق
تکه	۲۱- گوگ تیه
گوگلان	۲۲- یاو عرب
گوگلان	۲۳- ایسگان
تکه- ارساری- اوزبک	۲۴- پاراب
تکه	۲۵- قاراکنگور
کاسال و بوکری	۲۶- یانژی
کانجیک گوگلان	۲۷- قارایورمه
ترکمن های کونجاش	۲۸- سنجی
کونجاش	۲۹- آتانا بابا (آستانا بابا)
ترکمنان بکاول	۳۰- بورد الیک
کونجاش و چودر	۳۱- یلوار
یموت	۳۲- سیجوال
یموت	۳۳- آق قلاع (آق قالا)
یموت	۳۴- خواجه نفس (خواجه نفس)
چودر	۳۵- سویجی کوندوز
کوی کون	۳۶- حاجی راده
ارساری	۳۷- قبیچاق
ترکمنان اولی بانه چودر	۳۸- شالاچ
تکه	۳۹- گوشو

نام ده یا قلاع

ایلات ساکن

ترکمن های چودر	۴۰- ککتس
سالور - ساروق	۴۱- سرحس
یموت و چودر و ساروق	۴۲- خیه
ارساری	۴۳- اشراف بخارا
تکه	۴۴- میراوا
لاکشا	۴۵- بارسان
اقداش	۴۶- دورم
تکه	۴۷- گوی تبه
تکه	۴۸- پورما
تکه	۴۹- انان
سالور - تکه	۵۰- جیار
تکه - آرساری	۵۱- جوشی
آرساری - ساکار	۵۲- بوشاریت
ترکمن های ساکار - آرساری	۵۳- چهارجو
آرساری تکه ساروق	۵۴- میمنه
آرساری - سارون	۵۵- ژولتان
آرساری تکه	۵۶- مرغاب چشمه سی
چودر	۵۷- آمو دریا
یموت	۵۸- گومیش دغه
کوکلان	۵۹- آی درویش

.....

.....

.....

.....

.....

((رودخانه های معروف ترکمنها در روس و ایران))

در ایران :

۱- ساری سو

۲- دوغ

۳- چهل جای

۴- رود خرمالو

۵- رود افغان

۶- والی قوش

۷- قره سو

۸- کرجی

۹- گرگان

۱۰- اترك

در روسیه ترکمنستان :

۱- رودخانه مرغاب

۲- هری رود

۳- آمو دریا

۴- قنور سو

۵- زیارمان

۶- سومبار

۷- چانه یر بزرک و کوچک

۸- یوزباشی

۹- کتور

۱۰- فیروز

۱۱- قره جه سو

((اولین آمار طوایف ترکمنهای ایرانی در ترکمن))
 صحرا

آمار سرشماری که در سال ۱۲۹۸ هجری قمری در ترکمن صحرای ایران بعمل آمده است و بطور مفصل در کتابچه استرآباد که در سوم محرم ۱۲۹۶ تحریر شده و از مجموعه خطی کتابخانه ملک توسط آقای مسیح ذبیحی اخذ و در کتاب گریان زمین آمده است عیناً از کتاب نامبرده نقل می‌کنیم.

طبق آمار ۱۸۸۰ آمار ترکمن ها بقرار زیرند :
 طایفه یموت عبارت از جعفریای که مشهور به شرفند و تعداد نفوس آنها ۱۲/۵۰۰ نفر است و سه تیره اند :

- ۱- اقور جلی تعداد نفرات ۲/۲۰۰ نفر
- ۲- یارعلی " " ۶/۰۰۰ نفر
- ۳- نورعلی " " ۴/۳۰۰ نفر

طایفه های دیگر یموت ها ، آتابای ها هستند که تعداد نفوس آنها ۸/۳۰۰ نفرند که عبارتند از :

- ۱- صحنه ۲- ثقی ۳- یان چی ۴- ساریچونی
 - ۵- محمد آنلیق ۶- تمک ۷- خانلی ۸- فاضلی
 - ۹- قنقرمه ۱۰- طانا ۱۱- دون چی ۱۱- کس آرخه
 - ۱۳- کسه ۱۴- عاشورگوک ۱۵- قره داشلی
- طایفه آق آتابای ۸ فرقه اند و تعداد آنها ۶/۲۰۰ نفر اند و بقرار زیر میباشند :

- ۱- ثقی ۲- حبیبلی ۴- شیرمحمد لی ۵- نورمحمد لی
 - ۶- قزلجه ۷- یولمه ۸- هره
- طایفه بلیقی هفت فرقه اند و تعداد نفوس آنها ۲/۴۰۰ نفر است که بقرار زیرند :

- ۱- سقر ۲- قیر ۳- میرزالی ۴- وکیل لی ۵- اونق

۶- چره شك ۷- ایپری

طایفه داز هشت فرقه اند و تعداد نفوس آنها ۹۰۰ / ۶ نفراند که بقرار زیر میباشند :

۱- اودك ۲- میادت ۳- ایچمك ۳- عبدال ۵- خیه-
لی ۶- گری ۷- چوب تاش ۸- پقه ۹- گرکاسلی .

طایفه قره داغلی هفت فرقه اند و تعداد آنها ۵۰۰ / ۵ نفر و بقرار زیرند :

۱- پهلوان ۲- اوزین ۳- پیران ۴- بیاتلی ۵- ایرك لو
۶- قالیو ۷- اروس .

طایفه كوچك چهار فرقه اند و تعداد آنها ۲۰۰ / ۲ نفر است بقرار زیر :

۱- اصلا نجیق ۲- استاجیق ۳- قرطوم ۴- کولی قرالی
طایفه ایگدر چهار فرقه اند و تعداد آنها ۳۰۰۰ / ۳ نفر

است بقرار زیر :

۱- آق ارککلی ۲- قره ارککلی ۳- بدراق ۴- ایمر
طایفه قوجوق ۶ فرقه اند و تعداد آنها ۵۰۰ / ۳ نفراند

که عبارتند از :

۱- کاکا ۲- خیه چی ۳- قره تپه ۴- آقچه لی ۵- قرق
۶- وان قرق

طایفه تاتار سه فرقه اند و تعداد آنها ۲۰۰ / ۱ نفر است بقرار زیر :

۱- سقرلی ۲- آق قمشلم ۳- آق لمشلی
طایفه قان یوقماز ۴ فرقه اند و تعداد آنها ۴۰۰۰ / ۴ نفر

است :

۱- هلاکو ۲- قولجه ۳- ساریجه کور ۲- مخدوم
طایفه گوگلان ۹ طایفه اند و ۲۵ هزار نفر جمعیت کل آنهاست بقرار زیر :

- ۱- ینقاق ۲/۰۰۰ نفر ۲- قرق ۲/۵۰۰ نفر ۳- بایندر- ۲/۰۰۰ نفر ۴- ارککلی ۱/۷۰۰ نفر ۵- چغریگدلی ۴/۰۰۰ نفر ۶- قارانس ۱۲۰۰ نفر ۷- قایی ۳/۵۰۰ نفر ۸- قره بالخان ۶/۲۰۰ نفر ۹- سنگریگ ۱/۸۰۰ نفر که هر یک از این طایفه نیز به طوایف نیز به طوایف مختلفی تقسیم می‌شوند *
- ((آمار کل جمعیت یموت و گولان هاد رسال ۱۲۹۶))

هـ - ق در ایران

طوایف یموت	تعداد به نفر	طوایف گولان	تعداد به نفر
جعفریای	۱۳/۵۰۰	یانقان	۳/۰۰۰
یلقی	۲/۴۰۰	قارانس	۱/۲۰۰
دوجی	۶/۹۰۰	بیگدلی	۴/۰۰۰
کوجک	۲/۲۰۰	قایی	۳/۵۰۰
قجق	۳/۵۰۰	قره بالخان	۶/۲۰۰
قان یوقماز	۴/۰۰۰	سنگریگ	۱/۸۰۰
آتابای	۱۴/۵۰۰	قرق	۲/۵۰۰
داز	۳/۰۰۰	ارککلی	۱/۷۰۰
قره داغلی	۵/۰۰۰	عربلر	۲/۰۰۰
ایگدر	۳/۰۰۰		
تاتار	۱/۲۰۰		
جمع کل یموتها	۵۹/۲۰۰	جمع کل گولانها	۲۵/۹۰۰
جمع کل ترکمنهای یموت و گولان ۸۵/۱۰۰ نفر			

البته امروزه جمعیت ترکمن صحرا از بندر ترکمن تا منطقه جرگلان بیش از ۷۲۰ هزار نفر میباشند که تحت نظام شاهنشاهی سابق جزو سه شهرستان گرگان و گنبد و بجنورد بوده اند.

((وضع اجتماعی و اقتصادی ترکمنها))

در عهد قاجاریه

ترکمنها در عصر قاجاریه بیشتر از راه کشاورزی و دامپروری و ماهیگیری و تجارت از راه خشکی با شهرهای بزرگ ترکستان چون خیوه و بخارا و سمرقند و از راه آبی با بنادر هسترخان و انزلی و بادکوبه و بندرگز زندگی میگذراندند. در این عصر ترکمنها از نظر کشت گندم و جو و ذرت علاوه بر خود کفایی بزرگترین صادر کنندگان به مناطق مازندران و گیلان و بادکوبه و هسترخان بودند. کشت گندم و برش کشت دو منطقه ای یعنی دریلاق گندم سرد سیر که در روسیه می کاشتند و در قشلاق گندم و جو در ترکمن صحرا کشت می شد که پس از جمع آوری در صحرا در انبارهایی که در زیر زمین می ساختند و روی آنرا با خاک می پوشاندند انبار می گردید. اگر چه اتحاد و همبستگی میان قبایل ترکمن با سایر قبایل بآن حدی نبود که دارای تشکیلات نظامی واحدی باشند ولی در کلیه امور سنتی و ملی و مذهبی نظام تعاون و همکاری بوده است و نمونه های آنرا در مراسم عزاداری و عروسی ها و سنت کردن بچه های ترکمن و برپا ساختن آلا چیق ها در هنگام کوچ و مهاجرت و جنگ با دولت های ایران و روس مشاهده نمود که چگونه دوایل بزرگ آتابای و جعفر بای در سایر مواقع اختلافاتی با هم داشته اند ولی هنگام مبارزه و نبرد و یا آلمان ها با هم دیگر متحد و یکپارچه میگردیده اند.

ترکمن ها تا سال ۱۲۹۸ هجری شمسی تعداد ۳۶ کشتی تجارتی داشتند که دائماً بین گمیش تپه و انزلی و بادکوبه و حسن قلی و چرکن و بندرگز و چکش لرو و هسترخان در رفت و آمد بودند . ولی امروزه دیگر از این کشتی ها جز خاطره ای که پیران قوم تعریف می کنند اثری نمانده است ترکمن صحرا در دوره قاجاریه بزرگترین منطقه دامپروری ایران بحساب می آمد و در کتابهایی که در این عصر مورخان نوشته اند از ترکمن هایی نام برده شده است که هر يك بالغ بر ۲۰۰ / ۰۰۰ رأس گوسفند و ۱۰۰ / ۰۰۰ اسب و ۶۰۰ / ۰۰۰ شتر داشته اند .

بهترین و عاقلانه ترین قوانین کار را شوراهای ریش سفیدان و آق سقال های ترکمن صحرا در عصر قاجاریه پیاده کرده بودند و آن بدین ترتیب بود که هر چوپان علاوه بر غذا و پوشاک و مسکن که از صاحب گله دریافت می داشت سالیانه از هر صد گوسفند ۳ گوسفند را بعنوان حقوق و مشارکت در سرمایه صاحب مال سهیم می شد و چه بسا چوپان هایی بودند که بعد از چند سال کار خود دارای ۵۰۰ تا ۶۰۰ رأس گوسفند در میان گله های ارباب داشتند و این امر موجب علاقه مندی آنها بکار و شغل خود می گردید . از نظر کارگر کشاورزی نیز مزد کارگر بر مبنای مهارت کارگر و مقدار کار روزانه تعیین می گردید بدین ترتیب که از هر ۱۰ دسته خرمن گندم ۲ دسته متعلق به کارگر بوده است و به همین جهت میتوان حدس زد که يك کارگر با درو ۱۰۰ دسته خرمن گندم صاحب ۲۰ دسته می گردید . و این عدالت و انصاف در حق کارگر باعث شده بود که سالیانه در فصل کار از مناطق مازندران و گرگان کارگران کشاورزی زیادی به ترکمن صحرا جهت کار روی آورند . خوشبختانه تنها منطقه ای که در ایران قدیم نزول خواری و سلف

خری و استثمار فرد از فرد و حکومت ثروتمند بر فقیر در آنجا حکمفرما نبوده بین ایلات ترکمن صحرا بوده است زیرا قدرت اصلی در آن زمان در دست علما و روحانیون تحصیل کرده در خیسوه و سمرقند و همچنین شوراهای ریش سفیدان (آق سقا ل — ها) و یاش اولی ها بوده است و دیگر ترس ثروتمندان از باتیرها و سردارهای ترکمن بود که اکثراً از خانواده های ضعیف و فقیر برخاسته بودند کلمه سویتخوار بزرگترین و زشت ترین دشنام و منفورترین جمله بود که هر ترکمنی آنرا با نفرت ادا می کرد و هیچ شخصی حاضر نبود که این لقب زشت با و اختصاص داده شود. از جمله اقدامات روحانیون و بزرگان قوم ترکمن یکی جمع آوری زکات از ثروتمندان و دیگری تقسیم آن در بین خانواده های فقیر ترکمن بوده و همچنین احداث پل و کشیدن کانالی جهت رسانیدن آب گرگان رود به گمیش تپه که توسط عثمان آخوند انجام گردید که بعدها در دوره رضاخان خشک شده است.

((اوضاع ترکمن ها در عصر پادشاهی پهلوی))

همانطوریکه در صفحات گذشته مرقوم شد رژیم های پادشاهی همیشه و در همه حال جز ظلم و ستم جز برادر کشی و جنگ های داخلی نتیجه دیگری در منطقه ترکمن صحرا به ارمغان نیاوردند. این دولت ها برای پائین نگاهداشتن سطح فکر مردم ناحیه شمال شرقی ایران با برنامه هایی که قبلاً توسط استعمارگران بین المللی طراحی شده بود اختلاف شیعه و سنی یا ترکمن و غیر ترکمن و علوی را به راه می انداختند و موجب دشمنی و کینه مردم این نواحی و ترکمنها

* — سویت خوار : نزول خوار

را موجب می‌شدند . مثلاً با آزار و کشتن چند نفر چوپان ترکمن در صحرا توسط عمال خود موجب برانگیخته شدن ایل ترکمن را فراهم آورده و باعث بوجود آمدن عکس العمل ترکمن ها - نسبت به مردم بی گناه غیر ترکمن می‌گردیدند . و آنگاه به بهانه سرکوبی ترکمن های یاغی و شورشی به این ناحیه لشکر - کشی ها کرده و باعث ریخته شدن خون جوانان ایرانی می‌گردید - ند و این همان چیزی بود که استعمارگران می‌خواستند . یعنی فقر منطقه و بیچاره شدن ملت و عقب افتادن کشور از کاروان تمدن و پیشرفت . پس از کودتای ناجوانمردانه ۱۲۹۹ هـ . شمسى بكمك استعمارگران غربى خاندان قاجار سقوط كرد . و دیکتاتوری بنام رضا خان پهلوی روی کار آمد این شاه قلدر به بهانه برقراری امنیت دست به کشتار و قتل عام مردم بی گناه ایران بخصوص در نواحی کردستان و لرستان و خوزستان و بلوچستان و ترکمن صحرا زد که تاریخ از حفظ این وقایع شرم دارد .

شاه قلدر و زورگو از چهار ناحیه ترکمن صحرا ، یعنی لشکر تهران را از راه بندرگز و لشگری از گرگان و قشونی از مشهد و بنسورد روانه این مردم ستمدیده نمود و با اینکه ترکمنها همگی پیغام داده بودند که با دولت سر جنگ - ندارند ولی به بهانه اینکه يك روستای اطراف گرگان را چند سال پیش ترکمن ها به آتش کشیده اند مصیر آباد را به آتش کشیده و سه هزار ترکمن بی گناه را در منطقه گوجلان و يموت قتل عام کردند . و این امر موجب خشم و نفرت ترکمنان يموت و گوجلان منطقه گولی داغ گردید که بسرپرستی خان - جنید که از ترکمنستان به آن حدود آمده بود مبارزه سختی را در کوههای آن منطقه آغاز کردند که موجب هفده مورد شکست این شاه همیشه پیروز گردید . و عاقبت نیز بدون شکست خان

جنید به همراه افراد خود به خاک افغانستان رفت و پس از رفتن خان جنید ، رضاخان بقول خود و پسرش این ناحیه را که ترکمنها مزاحم زوار خراسان بودند امنیت بخشید . یکی از افسران همراه در این لشکر کشی بعدها در مصاحبه ای به خبرنگاران خارجی در پاریس گفته بود که اگر ترکمنها اتحاد و رهبری خوبی داشتند واقعا " ما را نابود میکردند " زیرا - ضربه شستی که در یکی از روزها بتوسط خان جنید و افراد او چشیدیم فراموش نخواهم کرد کبه همین افسر در گفته های خود اضافه می کند که فقط از ایل یموت در خلع سلاح ترکمنها ۷ هزار و از ایل گوگلان ۵ هزار اسلحه گرفتیم ولی با ۱۲ هزار اسلحه ای که در بین این مردم در آن زمان وجود داشته میتوان بقدرت جنگی آنان پی برد و اگر آنها در این جنگ شکست خورده اند بعلت قدرت فوق العاده توپخانه و مسلسل های ۵ لشکر از ارتش قوی و فرماندهان بی رحم آن بوده است زیرا همین ارتش خلق کرد و بلوچ و لر و عرب را نیز در هم شکستند .

رضا شاه و پس از او پسرش همه چیز ترکمنها را نابود کردند زبان و ادبیات ترکمن سنت ها و رسومات ترکمنی گله داری و دامپروری تجارت و کشتی رانی را که در بین ترکمن نشانه حیات به حساب می آمدند همه و همه را در سایه سر نیزه ها و تفنگ های جلادان بی رحم خود نابود کردند .

در وقت رضا خان همه جوانان و پیرمردان و حتی طلاب علوم دینی و حیوانات و چهارپایان ترکمنها را بزور شلاق و سر - نیزه به بیگاری و کارهای بردگی کشیدند و با خون هزاران جوان ترکمن و با نابودی صدها آلاچیق تونلها و راه آهن شمال را - ساختند ولی از آنجائیکه خداوند عمر ظلم و ظالم را زیاد نمی کند و از آنجائی که حق همیشه پیروز است با شروع جنگ

جهانی شاه قلدر چون موش ترسوئی توسط انگلیسها به آفریقا
— ی جنوبی به ژوهانسبرگ تبعید و در آن منطقه دور از وطن
از دنیا رفت .

ولی آیا ظلم تمام شده بود ؟ با روی کار آمدن فرزندان —
لایق او محمد رضا پهلوی کارها بهتر از آنچه که بود بصورتی
دیگر درآمد . قانون اساسی زیر پا گذاشته شد و بردها آنها و
زبانها قفل سکوت زدند . و اگر ترکمن را در عصر پدرش به
جرم یاغی گری و شرارت و داشتن اسلحه بدارمی کشیدند این
بار او را به جرم دفاع از زمین و خانه و حقوق خود یا کشتند و
یا به شهرهای جنوبی کشور چون سیرجان و بندرعباس و شیراز
تبعید نمودند . و بالاخره خاکی را که ۹۲۰ سال تمام ترکمنها
زراعت کاشته و دامپروری کرده و بخاطر آن میلیونها شهید در
طول تاریخ از دست داده بودند نه هکتار به هکتار ، بلکه کیلو
به کیلو به بهانه اینکه جزو املاک پهلوی میباشد به آنها فرو —
ختند . البته با توجه به اینکه بهترین نقاط را به ژنرالها و چکمه
پوشان دربار دادند . و دوهزار جوان ترکمن را در قیام ۲۸
مرداد که طرفداری از دکتر مصدق می کردند یا کشتند و یا
اینکه مجبور به فرار بخاک بیگانه نمودند . و باین هم اکتفا نکرده
عده کثیری از ترکمن ها را که شامل روحانی و دکتر و ریش سفید
— ان و دانشجویان دانشکده افسری و دانشکده دامپزشکی و
دانشسرای مقاماتی و غیره بودند دستگیر و بسیاه چالهای
خود سپرد از این عده تعدادی در زندان جان سپرده و بقیه
بعلت وقوع واقعه شهریور ۱۳۲۰ آزاد شدند . و در بندر
ترکمن و گمیش تپه و خواجه نفس ترکمن ساحل نشین را از صید
حتی یک ماهی محروم کردند و برای خاطر چند ماهی دهها
جوان را کشته و یا فلج کردند . آری این بود افتخارات خاند —
ان پهلوی در ترکمن صحرا .

سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ سالهای فعالیت‌های فرهنگی و — سنتی ترکمنها میباشد زیرا در این سالها جوانان روشنفکرترکمن و پیشگامان ادبیات ترکمن با انتشار روزنامه صدای ترکمن (ترکمن سسی سی) مردم صحرا را در جریان وقایع کشور و احوال سیاسی و فرهنگی ایران قرار دادند و رشد فرهنگی و سیاسی ترکمنها را باعث شدند که در سال ۱۳۳۲ توسط دولت وقت روزنامه نامبرده تعطیل گردید و لو، جوانان ترکمن ناامید نشدند و بطور زیرزمینی با گروههای فعال و مجاهد ایران در دورانهای سیاه اختناق در ارتباط بودند و نمونه های ای — فعالیت ها را در مبارزات جوانان دانشجوی ترکمن چه در ایران و چه در کشورهای خارج می توان نام برد .

تا اینکه از سال ۵۶ و ۵۷ مسئله انقلاب اسلامی و مردمی ایران پیش آمد اگر چه ساواک و عوامل مزدور آن وزمین داران بزرگ با پخش اعلامیه های ضد انقلابی و کشیدن مسئله شیعه و سنی و مسئله کمونیست بودن مبارزین توانستند مردم عادی و بعضی روحانی نمایان مطرود ترکمن را فریب دهند و آنها را تا حدودی از مبارزات دور نگاهدارند ولی هرگز نتوانستند مبارزات بیش از هزار دانشجوی ترکمن را چه در ایران و چه در خارج خاموش کنند . هیچ قدرتی نتوانست پزشکان ، فرهنگیان و قضات ترکمن و روحانیون مترقی ترکمن صحرا را از مبارزه باز دارد . زیرا همگی این گروهها بخوبی آگاه بودند که این خاندان مغرور و ایادی او چه بلاهایی بر سر کشاورز و صیاد و کارگر و روستائی و شهری ترکمن آورند . آنها بخوبی آگاه بودند که روستاهای ترکمن از عدم پزشک و بهداشت و حتی آب آشامیدنی در چه وضعی قرار دارند و طلاب علوم دینی را چگونه از مدارس دینی مستقیماً به سربازخانه ها جهت خدمت سربازی میبرند و از چاپ کتابهای ترکمنی و حتی

کتابهای مذهبی سنی ها جلوگیری می نمودند و ترکمنها مجبور می شدند که کتابهای مذهبی خود را در پاکستان و افغانستان چاپ کرده و بطور قاچاق وارد منطقه خود نمایند . و یا ۲۰۰ هزار هکتار زمینهای حاصلخیز صحرا در اختیار ژنرال های آریامهری و یا افراد خانواده پهلوی و افراد ثروتمند غیر ترکمن بودند در حالیکه مثلاً در منطقه دانشمند ۱۸ قریه با جمعیت ۱۵۰۰۰ نفر زارع فقط ۲۰۰ هکتار زمین شور در اختیار داشتند و یا گمیش تپه که ۱۰ ماهی و خاویار خزر را تولید می کردند ۱۲۰ هزار صیاد ترکمن چگونه و با چه فلاکتی زندگی می کردند و حتی جاده ای برای رفت و آمد به شهر بندر ترکمن که فقط ۱۸ کیلومتر با محل آنها فاصله دارد نداشتند . این بود که عوامل ارتجاع و ساواک نتوانستند در میان آنها نفوذ کنند و همانطوریکه دیدیم قدم بقدیم در سرکوبی و برجیدن بساط ظلم با سایر برادران هموطن شرکت کردند و بالاخره هم پیروز شدند .

حال باید دید که ترکمن ها از انقلاب چه می خواهند و چه توقعی از دولت انقلابی دارند . ترکمن ها در مرحله اول - خواستار استرداد زمین های حق خود و تقسیم عادلانه آن در بین زارعین مسلمان ترکمن صحرا و خواستار رسیدگی بوضع صیادان منطقه گمیشان و خواجیه نفس و بندر ترکمن هستند و در مورد مذهب خواستار برابری مذهب اهل سنت با مذهب شیعه در قانون اساسی و آزادی فرهنگی و مذهبی و احیای سنت ها و رسوم ترکمن و تدریس کتابهای ترکمنی ، در کنار کتابهای فارسی در مدارس ترکمن صحرا و یکپارچه شدن ترکمن صحرا تحت عنوان استان ترکمن صحرای ایران و به مرکزیت گنبد کاووس و حق تعیین سرنوشت ترکمن ها بدست خود ترکمنها در چهار چوب ایرانی آزاد و نیرومند میباشند . ترکمنها

خواستار تشکیل شوراهای شهری و روستائی و دفاع از حقوق قالی بافان و کارگران کشاورزی و صنعتی ترکمن صحرا هستند و اگر دولت به این امور توجه نموده و به خواسته قانونی و برحق این خلق ستم کشیده توجه نموده و تحت تاثیر تفرقه افکنان و فئودالها قرار نگرفته و عوامل تفرقه افکن رژیم سابق را طرد کند و ماجراهای شبیه گنبد کاووس پیش نیاید بطور حتم آینده این منطقه را از نقطه نظر پیشرفت و ترقی قطعی دانست من امید وارم که با نوجهات دولت به این خواسته ها ، به ظلمها و ستمهای نهصد و بیست ساله ای که به خلق ترکمن در طول تاریخ رسیده است پایان خواهد داد . به امید آن روزهای - طلائی و امید بخش بامید آن روز که ترکمن با برادر غیر ترکمن خود چون جان در یک بدن باشد . اثرات اختناق در ترکمن صحرا

دوران سیاه اختناق پهلوی عصر نابودی رسومات و سنت های ترکمنها بوده است با اینکه مردان بزرگی چون مختومقلی فراغی ، دولت محمد آزادی و محمد ولی کمینه و ملانفس و مسکین قلیچ در عصر نادر شاه و قاجاریه در پیشرفت فرهنگ و سنت ترکمنها تا پای جان کوشیدند ولی متأسفانه شا - عری از ترکمنها در عصر پهلوی پیدا نشد که داستان آلامنها و چپوها و آلاچیق ها و کوچهای قدیم پدران خود را زنده کنند و به مردم عرضه نماید . از طرفی عده ای از ترکمنهای باصطلاح امروزی کار را تا به آن حد رساندند که از نهادن نام اصیل ترکمنی به فرزندان خود خجالت کشیده و بر روی آنها نام رقاصان و خوانندگان و اسامی غیر اسلامی و خارجی را گذاردند . و اگر این وضع ادامه می یافت نام اصیل ترکمنی در ترکمن صحرا تا در چند سال دیگر یافت نمی گردید . از سوی دیگر عده ای از دختران امروزی ترکمن دست از لباسهای اصیل محلی

خود شسته و به فکر تغییر مدل لباسهای ترکمن افتاده و این لباس ۲/۷۰۰ ساله را با هزار مدل و رنگ که نشانه طاغوت بود آلوده کردند . از جمله بدعت های دیگر پیداشدن مجا- لس رقاصی و غیره در عروسیها و بتازگی مسایب جای گرفتن دختران بود . مراسم عروسی ماشینی شده و کجاوه که از شتر و هودج گرفته شده است بصورت مستعمره ای در آمده بود . - بازیهای ترکمنی ضرب المثلهای قدیمی و گنگ پوری و یساوه و رقصهای خنجر بطور دسته جمعی در جشن ها، آهنگ های اصیل ، اسب سواری و مسابقات مهم استبدوانی در عروسیها از بین رفتند . مراسم مولود خواندن در شب تولد، حضرت رسول و مراسم ذکر الله در آق آش رو به فراموشی سپرده شدند . مهریه عروسی سرسام آور گردیده بود بطوریکه بعضی از جوانان ترکمن بعلت عدم توانائی مالی با دختران غیر ترکمن عروسی می کردند . صدای نی چویان و آواز بخشی های دوره گرد خا - موش شده بود و اگر چند سال دیگر این وضع ادامه می یافت تمام این مراسم خوب فراموش می شد و شاید هم زبان ترکمنی در منطقه بدست فراموشی سپرده می شد و زبان و فرهنگ و رسوم - تحمیلی طاغوت جانشین آن می گشت .

والسلام

پایان